

مفهوم مصلحت در اندیشه امام خمینی (ره)

کد موضوعی: ۲۷۰

شماره مسلسل: ۱۱۰۱۴

شهریورماه ۱۳۹۰

دفتر: مطالعات فرهنگی

به نام خدا

فهرست مطالب

چکیده	۱
مقدمه	۱
فصل اول - کلیات	۲
فصل دوم - امام خمینی (ره) و احکام سه گانه (احکام اولیه، ثانویه و حکومتی)	۷
فصل سوم - مصلحت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)	۱۱
فصل چهارم - مصلحت در عمل سیاسی امام خمینی (ره)	۳۲
فصل پنجم - تبیین راهکارها و الگوهای مصلحت در دیدگاه امام خمینی (ره)	۳۷
منابع و مأخذ	۴۶



مفهوم مصلحت در اندیشه امام خمینی (ره)

چکیده

در بررسی مفهوم مصلحت در دیدگاه امام خمینی (ره)، تلاش شده است با تکیه بر فهم مفهوم اسلامی مصلحت راهی باز شود تا توسط آن حدود و ثغور این مفهوم در منظر امام (ره) نیز مشخص شود. از این رو پس از بررسی لغوی و اصطلاحی مفهوم مصلحت و بررسی سیر تغییرات تاریخی آن در دیدگاه اهل تسنن و تشیع آن را در دو حوزه، کلام و فقه بررسی کردیم و در پایان مجمع تشخیص مصلحت، به عنوان تجلی عملی مصلحت در اندیشه امام (ره) مورد بررسی قرار گرفت و از بطن آن الگوهای سیاسی در پرتو حفظ نظام، امنیت داخلی و خارجی، استقلال کشور و الگوهای اجتماعی در چارچوب وحدت و همبستگی، تقویت روح ابتکار و نوآوری و الگوهای حقوقی در مسیر برابری و حاکمیت قانون، امر به معروف و نهی از منکر و الگوهای اقتصادی ناظر به خودکفایی، توسعه عدالت اجتماعی و الگوهای فرهنگی با رویکرد مبارزه با فساد اجتماعی و نفاق در جامعه برای تصمیم‌گیری و اجرایی استخراج شده است.

مقدمه

گستره به‌کارگیری واژه «مصلحت» و واژه‌های مترادف آن همچون: نفع عمومی، خیر مشترک، سعادت همگانی و رفاه عمومی آن را به معیاری برای تشخیص و تفکیک اندیشه‌ها از یکدیگر در فلسفه و تفکر سیاسی تبدیل کرده است و این امر به اینجا پایان نپذیرفت و می‌توان مدعی شد که این مفهوم، ادبیات سیاسی را در عرصه سیاست عملی و نظری توأمان متأثر کرده و جایگاه ویژه‌ای را برای خود تدارک دیده است. از این سو اندیشمند سیاسی را در تحلیل کلیات و جزئیات سیاست ناگزیر ساخته که مفهوم مصلحت را به‌طور صریح یا ضمنی تبیین و تشریح نماید.

البته اهمیت اهتمام به واژه مصلحت و مصادیق خارجی آن زمانی مشخص می‌شود که این مفهوم از زاویه برون‌دینی و درون‌دینی مورد توجه واقع شده و تفاوت و تطور آن در صلابت و سستی دخالت این مفهوم در جوامع مختلف دینی و غیردینی مورد بررسی واقع شود. از این رهگذر است که مصلحت تبدیل به یکی از گزاره‌های کلیدی و مهم پس از انقلاب اسلامی ایران شده، که البته منجر به تشکیل نهادی مهم و تأثیرگذار به نام «مجمع تشخیص مصلحت نظام» گردیده است.

از آنجا که نظریه ولایت مطلقه فقیه با چارچوب فعلی، از مختصات اندیشه امام خمینی (ره)

است، نیاز به بررسی مبحث مصلحت در اندیشه سیاسی ایشان احساس می‌شود. زیرا در مقابل این اقدام سیاسی امام (ره) در باب مصلحت، فضایی برای موضع‌گیری‌های متفاوت و البته متضاد به وجود آمد، فضایی که عده‌ای را بر این باور رساند که اندیشه سیاسی ایشان که در قالب ولایت مطلقه فقیه ارائه می‌شود، به شکلی راه عرفی شدن و سکولاریسم را می‌پیماید. در حالی که گروه دیگر، بر این باور هستند که دیدگاه امام (ره) به «مصلح مرسله» اهل سنت متمایل شده است.

از این رو ضرورت و اهمیت این پژوهش به لحاظ دو بعد عملی و نظری قابل توجه است:

بعد نظری: با توجه به تعابیر و تفاسیر مختلف در باب مصلحت، به‌ویژه جایگاه مصلحت عمومی در اندیشه بنیانگذار جمهوری اسلامی از یکسو و اهمیت مصلحت شرعی در نظام جمهوری اسلامی ایران از بعد نظری از سوی دیگر، پژوهش درباره مبانی و مبادی این رویکرد را ضروری می‌سازد.

بعد عملی: همانطور که می‌دانیم مصلحت نظام یکی از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. تبیین دقیق، شفاف و تعیین حدود و ابعاد مفهوم مصلحت به‌ویژه در نگاه امام خمینی (ره) می‌تواند راهگشای دولت در جایگاه قوه مجریه و مجلس شورای اسلامی در قالب قوه مقننه باشد. در نتیجه این کوشش پاسخی به این ضرورت می‌باشد.

هدف این گزارش تبیین اندیشه‌های امام خمینی (ره) درباره مفهوم مصلحت و اثربخشی آن است. گرچه تبیین تفصیلی این مفهوم و اثربخشی آن فراتر از این گزارش است، ولی شمه‌ای از آن برای استفاده از تعمیق قانونگذاری بیان می‌شود.

فصل اول - کلیات

۱-۱. مفهوم مصلحت

مفهوم «مصلحت»^۱ را می‌توان توجیهی بر چگونگی و شکل عمل در نظر گرفت، اما اینکه این واژه دارای چه ماهیتی است و بر چه علل و عواملی استوار است، خود جای پژوهش بیشتر دارد. از این رو تعریف و تحدید واژه مصلحت متقدم بر مباحث دیگر می‌باشد. این ضرورت از آنجا ناشی می‌شود که سودمندی بحث در گرو دانستن معنای واژه‌هایی است که به‌کار می‌بریم. زیرا بیهوده بودن بیشتر مباحثی که وقت ما را ضایع می‌کند، معلول این واقعیت است که هر فرد نزد خود معنای مبهمی از الفاظی که به کار می‌برد، در نظر دارد.

تبیین مفهومی مصلحت با دو مسئله روبرو است:



اول: آنکه مصلحت با اعمال انسانی دارای رابطه نزدیکی است که ماهیت این اعمال براساس قرائت‌های مختلف تغییر می‌کند. در نتیجه تعاریف متفاوت از آن، اعمال متفاوت را ایجاد می‌کند.

دوم: تطور و تحول مفهومی واژه‌ها در طول زمان است. گسترش مفهومی واژگان گاه باعث با ارزش شدن یک مفهوم می‌شود و ازسوی دیگر با وسعت بیش از حد دامنه مفهومی آن، از ارزش آن کاسته می‌شود. در این صورت واژه، مصلحت کاربرد و جایگاه خود را از دست می‌دهد.

گرچه واژه مصلحت نیز همانند مفاهیم کارآمدی، مشروعیت، افکار عمومی، توسعه و... دچار تحول شده است و در قرائت‌های مختلف معانی مختلفی به خود گرفته، اما مهمتر آن است که بدانیم این واژه به دلیل اشتراک لفظی در مباحث سیاسی، اجتماعی و دینی و فقهی نیازمند بررسی عمیق‌تری است. بنابراین بهتر است که قبل از هر چیز به تعریف و تبیین این مفهوم پرداخته شود و البته تعریف دیگر مفاهیم مرتبط و هم‌معنا نیز دور از نظر نخواهد بود.

۲-۱. تعریف لغوی مصلحت

جوهری در صحاح اللغة می‌نویسد: **الصلاح ضد الفساد**^۱ و در لغتنامه دهخدا، مصلحت در مقابل مفسده است و به معنای سازگاری و مناسب و آنچه که صلاح و نفع تشخیص شود در نظر گرفته شده است.^۲ صلاح و سود شخصی و گروهی از جمله معانی دیگر مصلحت است.^۳ در زبان فارسی باستان، مصلحت، چاره می‌باشد که همراه با پسوندهای از قبیل اندیش مورد استفاده قرار می‌گرفته است.^۴ معادل دیگر آن در زبان فارسی کهن، شایسته و ارزانی، نیک و خوب، سزیدن و شایستن و... است.^۵

از جمله معانی واژه مصلحت در زبان عربی عبارت است از: **الإصلاح تقيض الإفساد و المصلحة الصلاح: اصلاح**^۶ تقيض تباهی و مصلحت به معنای شایستگی است و یا: **الصلاح ضد الفساد و المصلحة، واحده المصالح**.^۷ از نظر وزن و معنا مصلحت مانند منفعت دانسته شده^۸ و اسم مکان در معنای مکان صلح و یا مصدر میمی به معنای صلاح دیدن می‌باشد.^۹ جلب نفع و دفع ضرر نیز از

۱. اسماعیل بن حماد الصحاح جوهری، صحاح اللغة، ماده صلح.

۲. لغتنامه دهخدا، طبع دانشگاه تهران، ج ۱۲، ص ۱۸۵۶۶.

۳. محمد معین، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، ج ۳، ۱۳۷۱، ص ۱۷۶.

۴. احمد تفضلی، فرهنگ مینوی خرد، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ذیل عنوان مصلحت، ۱۳۵۴.

۵. دیوید نیل مکنزی، فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ترجمه مهشید میرفرخایی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳.

۶. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ج ۲، ص ۵۱۷، ماده صلح، ۱۴۰۸.

۷. اسماعیل بن حماد الجوهری، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، مصر: دارالکتب العربی، ماده صلح، ۱۹۵۶.

۸. بطرس البستانی، قطر المحيط، ای قاموس مختصر لغة العربیة، بی جا، مکتبه لبنان، بی تا، ماده صلح.

۹. محمد مرتضی الزبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، مکتبه الحیاه، ماده صلح، ۱۳۰۶.

دیگر معانی مصلحت در زبان عربی است.^۱

در فرهنگ‌های لغت انگلیسی، در برابر واژه Interest که معادل مصلحت در زبان‌های فارسی و عربی می‌باشد، این معانی ارائه شده است:

Advantage, Profit, Well-being, Legal right, Beneficial, Good, Wealth, Welfare, Pleasure...^۲

ریشه لغوی لاتین کلمه Interest, Interest به معنای To be between است.^۳ از جمله معانی ترکیبی آن، interested party, interest rate, majority interest, national interests, public interest and vested interest می‌باشد.^۴ بر ایند لغات انگلیسی Interest و معادل‌های آنکه به معنای مصلحت به کار می‌رود، همانند کاربرد معادل‌های آن در زبان‌های فارسی و عربی، به علقه، خوشی، سعادت، نفع و لذت اشاره دارد که نشان‌دهنده معانی مزبور، در سه زبان یاد شده می‌باشد. بررسی آثار لغت‌پژوهان نشان می‌دهد که مصلحت به دو معنا استعمال می‌شود:

الف) مصلحت هم در لفظ و هم در معنا همانند منفعت در نظر گرفته می‌شود.

ب) مصلحت به کاری گفته می‌شود که به منفعت و سود بیانجامد. در این فرض مصلحت مجازاً استفاده شده و از باب اطلاق مسبب بر سبب می‌باشد.

در قرآن کریم مصلحت گاه در برابر فساد آمده است^۵ و گاهی در برابر گناه^۶ آورده شده است. در کتاب مجمع‌البحرین که در مورد فهم واژه‌های قرآنی و روایی است، فخرالدین طریحی می‌نویسد: صلاح با فساد متضاد است. صَلَاحٌ يَصْلُحُ و صَلُحٌ يَصْلُحُ در برابر تباهی است.^۷

۳-۱. تعریف اصطلاحی مصلحت

سخن از تعریف اصطلاحی واژگان به معنای توجه به دو مسئله اساسی است:

اول: آنکه واژه مورد نظر محل بحث اهل فن آن است.

دوم: اینکه این واژه موضوع اعتبار و قرارداد در آن فن می‌باشد. بنابراین برای شناخت معنای اصطلاحی باید به منشأ جعل اصطلاح توجه کرد. البته هدفی که اهل فن از جعل واژه دنبال می‌کنند نیز باید مورد توجه قرار گیرد. واژه مصلحت نیز از این قانون و قاعده مستثنا نیست و باید هدف و

۱. احمد بن محمد بن علی المقرئ الفیومی، المصباح المنیر، قم، دارلحجره، ماده صلح، ۱۴۰۵.

2. See in: Philip B. Gove (ed. In chief), Webster's Third New International Dictionary, Vol. II, Chicago: Encyclopedia Britannica Inc., 1976, P. 1178.

3. Peter Davis (ed.), The American Heritage Dictionary of English Language, New York: Dell Publishing Co., 1975.

۴. مهدی نوروزی خیابانی، فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۷.

۵. قرآن کریم، سوره اعراف، آیه ۵۶.

۶. قرآن کریم، سوره توبه، آیه ۱۰۲.

۷. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، طبع قدیم، ص ۱۷۵.



منشأ جعل این واژه نیز بررسی شود.

از این سو برای قرار گرفتن در مسیر صحیح تلاش می‌شود این واژه هم در رویکرد اسلامی و هم در دیدگاه اندیشمندان غربی مورد بررسی قرار گیرد، البته در فصلی مجزا دیدگاه اهل تسنن و فقه سیاسی شیعه نیز به صورت کامل‌تری مطرح می‌شود و در فصول بعدی دیدگاه امام خمینی (ره) به عنوان یک فقیه شیعی شرح و بسط داده می‌شود.

۴-۱. اقسام مصلحت

در دیدگاه اسلامی مصلحت از سوی محققان و فقیهان با اعتبارات مختلف تقسیم شده است. اهم این تقسیمات را در زیر به صورت اجمالی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مصلحت ثابت و متغیر (تقسیم از حیث ثبات و تغییر)

مصلحت ثابت: این نوع از مصلحت همانطور که از نامش پیداست همیشگی بوده و با مرور زمان و تحولات ایام تغییر و تحول نمی‌پذیرد و چنانچه ملاک احکام قرار گیرند، احکام حاصل از آن نیز ثابت و لایتغیر می‌باشند. این احکام در (وجوب و حرمت) همواره ثابت و پابرجا می‌باشند مگر اینکه شرایط آنها تغییر یابد. به عنوان مثال «وجوب صلوة» که در هر زمانی هر کسی باید نماز بخواند، اما گاهی نماز با از دست دادن شرایط تکلیف ساقط می‌شود.

مصلحت متغیر: براساس اقتضای زمان و مکان تغییر و تحول صورت می‌پذیرد. از همین رو در اسلام احکام متغیر به واسطه همین مصالح غیردائمی از سوی شارع مقدس وضع می‌شود. این نوع از احکام تا زمانی که آن مصلحت وجود داشته باشد پابرجا می‌ماند. بر همین مبنا در روایات معصومین (ع) موارد متعددی را می‌توان مشاهده کرد. به عنوان مثال در کتاب اصول کافی روایتی از امام صادق (ع) ذکر شده است:

یکی از اصحاب می‌گوید: «امام صادق (ص) به من فرمودند: به من بگو اگر حدیثی را امسال برایت گفتم و سال آینده نزد من آمدی و خلاف آن را به تو گفتم، به کدام یک از آنها عمل می‌کنی؟ می‌گوید گفتم: به حدیث اخیر عمل می‌کنم. حضرت فرمودند: خدا تو را رحمت کند»^۱.

۵-۱. مصالح معتبر و مصالح غیرمعتبر (از حیث اعتبار شارع)

مصلحت معتبر به معنی مصلحتی است که شارع مقدس اعتبار آن را تصریح کرده و احکامی را برای رسیدن به آنها وضع کرده باشد. این بدان معناست که تحقق احکام در هنگام تشریح مقصود شارع بوده

۱. یعقوب بن اسحاق الکلینی، الأصول من الکافی، بیروت، دارالصعب و دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۱هـ، ج ۱، ص ۶۷.

است. مثل اینکه مثلاً مصلحت «جهاد» در حفظ دین و «قصاص» برای حفظ نفس است. مصالح پنجگانه اساسی نیز در این نوع مصلحت جای می‌گیرند. گروهی از فقها این نوع مصالح را مصلحت‌های عالی در اسلام می‌نامند که توسط تمامی گروه‌ها و فرقه‌های اسلامی پذیرفته شده است، البته این نوع اعتبار لزوماً از ناحیه نصوص الهی تأمین نشده و احتمال اینکه غیرمستقیم تأیید شود، می‌رود.^۱

اما از حیث اعتبار دسته دوم مصالح غیرمعتبر یا ملغاً نامیده می‌شود. در این نوع از مصالح شارع بر عدم اعتبار آن تأکید کرده و مخالفت این مصالح به مقتضای ادله شرعی معلوم شده است. اما بعد روشی در جایگاهی همانند با مصالح معتبر قرار دارند، با این تفاوت که شارع نسبت به آنها از بابت «نفی» و نه «اثبات» توجه دارد - در تعریفی از این نوع مصالح آمده: «مصالحی که شارع بر غیرمعتبر بودن آن تصریح داشته است، مانند تحریم ربا در حوزه معاملات اقتصادی».^۲

۱-۶. مصالح مرسله

در کنار مصالح از حیث اعتبار قسم سومی از مصلحت وجود دارد که به آنها اصطلاحاً «المصالح المسکوت عنها» یا مصالح مرسله (رها شده) گفته می‌شود. برطبق گفته «عبدالوهاب» از سوی شارع بر «اعتبار» و یا عدم «اعتبار» این نوع مصلحت تصریحی صورت نگرفته است.^۳ به همین جهت به آن «مرسل» به معنی رها و آزاد گفته می‌شود.

از نظر اصطلاحی این نوع مصلحت یکی از منابع اجتهاد در فقه اهل تسنن می‌باشد، اما با بررسی آثار انتقادی موجود می‌توان برداشت‌های متفاوت دیگری را مشاهده کرد. در این میان بعضی مرسله را اکتفا نکردن در استخراج احکام حوادث واقعه و به نصوص خاص می‌دانند. از جمله تعاریف عام مورد پذیرش اکثریت فقها، تعریف «الآمدی» می‌باشد که می‌گوید: «مصالح لم یشهد الشرع لها باعتبار و لالغاء»^۴ مصالح مرسله عبارت است از منافعی که شارع در اعتبار و الغا آن سخن نگفته است. در تعریف دیگر «شوکانی» در کتاب «ارشاد الفحول» می‌گوید: مصالح مرسله چیزی است که مستند به اصلی کلی یا جزئی نباشد.^۵ در مجموع این مصالح را می‌توان مشتمل بر گونه‌های متفاوتی از مصلحت‌ها دانست.

تحسینات (اخلاقیات)

۱. به نقل از: سید محمد ناصر تقوی، حکومت و مصلحت، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۸، صص ۱۹-۲۰.
 ۲. سیدحسین هاشمی، تحلیل مبانی فقهی و حقوقی مجمع تشخیص مصلحت نظام، قم، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱، ص ۱۴.
 ۳. محمدصادق شریعتی، بررسی فقهی و حقوقی مجمع تشخیص مصلحت نظام، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰، ص ۸۷.
 ۴. سید محمدناصر تقوی، حکومت و مصلحت، پیشین، ص ۲۱.
 ۵. همان.



این نوع از مصالح، فضائل و آداب نیکویی هستند که عقل آنها را می‌پذیرد. برخی نیز مانند شهید اول از آن به «مصالح تمامیه» نام می‌برد. چون در اصل امور و مصالحی هستند که نه در حد ضرورت است و نه در حد غیرضروری. این دسته از مصالح دارای شأن دو گروه پیش نیستند. به تعبیر غزالی صرفاً «باعث بهتر شدن و کمال» می‌شوند. مصالحی که بیانگر خوبی و نیکویی اخلاق هستند، که به آنها اخلاقیات هم گفته می‌شود. مانند نفقه انسان بر نزدیکانش و یا آداب لباس پوشیدن یا منع اکل حشرات.^۱

فصل دوم - امام خمینی (ره) و احکام سه‌گانه (احکام اولیه، ثانویه و حکومتی)

حکم در فقه دارای مفهوم خاصی است، اما به‌رغم استفاده بسیار از آن، به صورت مستقل و مشخص مورد بررسی فقها قرار نگرفته است. از این‌سو در بحث‌های فقهی براساس نیاز مورد تعریف قرار می‌گیرد. با بررسی اجمالی این تعاریف می‌توان در سه معنی کلی مفهوم حکم را جستجو کرد.

اولین تعریف حکم را به معنای تکلیف شرعی دانسته است. حکم شرعی در دو حالت خاص و مطلق وجود دارد. آن دسته از دستورات و فرامین که هدف آنها تأمین امور دنیوی مکلفان باشد تکلیف شرعی خاص نامیده می‌شود و آنجا که بحث از تکالیف خمس می‌باشد که شامل واجبات، محرمات، مستحبات، مکروهات و مباحات است منظور تکلیف شرعی مطلق است.

دومین تعریف حکم ناظر به معنای احکام قاضی در اختلافات و منازعات می‌باشد. در این بخش قاضی با در نظر گرفتن مدرک متناسب حکمی صادر می‌کند.

در سومین معنا حکم دستورات و فرامین حاکم است. این نوع از حکم دایره‌ای گسترده‌تر از حکم قاضی را شامل می‌شود. مرحوم صاحب جواهر در این باب می‌فرماید:

«حکم عبارت است از انشاء قطعیت و حتمیت امر از جانب حاکم نه از سوی خداوند تعالی، بر عمل نمودن بر حکم شرعی (تکلیفی) یا عمل به حکم وضعی. یا عمل نمودن به موضوع آن دو حکم در مواردی خاص».^۲ در ادامه اضافه می‌کنند که در مورد اینکه حکم باید همراه نزاع باشد یا نباشد میان فقها اختلاف وجود دارد.

از فرمایشات و مکتوبات حضرت امام خمینی (ره) در باب حکم نیز چنین برداشت می‌شود که منظور ایشان از حکم همین معنای اخیر می‌باشد. بدان معنا که حکم شامل تمامی احکام رهبر جامعه

۱. ابو حامد محمد غزالی، المستصفی، ج ۱، ص ۱۴۰؛ المیسر فی اصول الفقه الاسلامی، صص ۱۵۹-۱۶۰.

۲. محمد حسین نجفی، جواهر الکلام، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ج ۴، ص ۱۰۰.

جدای از اینکه مورد اختلاف و نزاع هم نباشد، می‌شود. این نظر به طور مشخص در تبیین معنای حدیث «لاضرر» توسط امام خمینی (ره) آمده است. ایشان پس از قائل شدن شأن سرپرستی جامعه در کنار شأن نبوت برای حضرت محمد (ص) می‌فرمایند:

«براساس شأن رسول الله (ص) و ائمه (ع) افزون بر اینکه وظیفه دارند احکام الهی را به مردم ابلاغ کنند، می‌توانند امر و نهی داشته باشند و حکم صادر کنند به طوری که پیروی از آن واجب و لازم و مخالفت با آن سبب عصیان خدا و در نتیجه مستحق عقاب است. همچنان که مخالفت با دستورات خداوند اینچنین است»^۱.

بنابراین کلیه دستورات و فرامین حاکم جامعه اسلامی از این حیث که مدیر جامعه و رئیس حکومت می‌باشد حکم شرعی بوده و پیروی از آن واجب و لازم است. با تکیه بر تعاریف موجود، در یک تقسیم‌بندی که بسیار مورد استفاده فقهاست، احکام را به سه دسته کلی تقسیم می‌نمایند که در زیر به آنها می‌پردازیم و در بخشی مجزا نسبت آنها با مصلحت سنجیده می‌شود.

۱-۲. احکام اولیه

احکام اولیه، احکامی هستند که شارع مقدس آنها را مبتنی بر مصالح و مفاسدی که در ذات موضوع قرار دارد، صادر کرده است. یعنی اینکه به هنگام به وجود آمدن مصلحت، وجوب مد نظر است و در زمانی که مفسده‌ای پیش می‌آید حرمت در نظر گرفته می‌شود. در اصل حکم مجعولی است که بر افعال و ذوات، بدون در نظر گرفتن عناوین ثانوی و استثنایی (چون اضطرار، عسر، حرج و...) صادر می‌شود. در نتیجه موضوعات آن عناوین اولیه است.

با این بیان عناوینی که در موضوع یک حکم شرعی مورد نظر است، گاهی ثابت است. البته قطع نظر از عوارض و پدیده‌هایی که موجب تغییر احکام می‌شود. عنوانی را «عنوان اولیه» و حکم ناشی از آن را «حکم اولیه» می‌نامند.^۲ با توجه به آنچه که گفته شد احکام اولیه احکامی هستند که موضوع آنها عنوان اولی و افعال مکلفان می‌باشد. مانند وجوب نماز و زکات و حرمت اتلاف مال غیر.^۳

۲-۲. احکام ثانویه

احکام ثانویه حکمی است که بر موضوع به وصف اضطرار و اکراه و سایر عناوین ثانوی مترتب

۱. امام خمینی (ره)، الرسائل، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ص ۵۰، ۱۳۸۵.

۲. آیت الله ناصر مکارم شیرازی، انوارالفقاهه، قم، مدرسه امیرالمؤمنین، چاپ دوم، ج ۱، ص ۵۴۰، ۱۴۱۱ هـ. ق.

۳. ابوالقاسم گرگی، مقالات حقوقی، تهران، دانشگاه تهران، ج ۲، ۱۳۶۹، ص ۲۸۷.



می‌شود^۱ و با توجه به وضعیت خاص و استثنایی که مکلف با آن مواجه می‌شود صادر می‌گردد. «عنوان ثانوی» به عناوینی گفته می‌شود که با تکیه بر عوارض و پدیده‌های متعلق به آن که موجب تغییر حکم می‌شود، مورد نظر است. به‌عنوان نمونه، خوردن گوشت حیوان مردار به‌عنوان اولی حرام است. اما در شرایط اضطرار که خطر جانی را در پی داشته باشد، به‌عنوان ثانوی حلال است.^۲ این احکام در دو دسته فردی و جمعی وجود دارد.

نکته قابل تأمل در احکام ثانویه این است که تا هنگامی که این حالات و شرایط استثنایی و اضطراری که از آن به «عنوان ثانوی» یاد کردیم وجود داشته باشد، حکم اولی (که موضوع آن عنوان اولی است) منتفی و تعطیل شده و حکم ثانوی محقق و برقرار می‌گردد. در واقع حکم اولیه برطبق مصلحت و مفسده دائمی و پایدار است و حکم ثانویه بر مبنای مصلحت و مفسده «مادامی» و موقت است.^۳

در نتیجه این احکام بعد از ناتوانی در عمل به تکلیف اولی بر مکلف واجب می‌شود. مهمترین این احکام در بعد فردی عبارتند از: لاضرر، لاجرح، اضطرار و تعارض اهم و مهم و در بعد جمعی حفظ نظام را می‌توان نام برد.^۴

امام خمینی (ره) در مورد احکام اولیه و ثانویه می‌فرمایند: «... احکام اولیه باید جاری شود و آن روز هم که اضطراری پیش آمد، احکام ثانویه که آن هم حکم خداست را باید جاری نمایند. باید بنیان از امروز محکم شود».^۵ پس این احکام در توضیح مصلحت در دیدگاه امام (ره) دارای اهمیت بسیاری می‌باشند که در ادامه بحث به آنها خواهیم پرداخت.

۳-۲. احکام حکومتی

حضرت امام خمینی (ره) با تفاوت‌گذاری بین حکم و فتوا در باب فرمان حضرت علی (ع) به مالک اشتر می‌فرمایند: «... این فرمایش حضرت یک حکم حکومتی است و نمی‌شود به آن فتوا داد، ثانیاً در مورد زکات است، در حالی که حکومت اسلامی به وسیله خمس اداره می‌شود. احتمال است حضرت یا به لحاظ وضع خاص منطقه چنین حکمی کرده باشند یا اینکه علم داشته‌اند که مردم آن منطقه افرادی راستگو و صادق هستند، اما ما حدیث داریم که می‌شود با آن فتوا داد و عمل کرد و آن این

۱. علی مشکینی، اصطلاحات الاصول، قم، نشر الهادی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۱.

۲. آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، پیشین، ص ۵۴۰.

۳. سید محمد ناصر تقوی، حکومت و مصلحت، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۸، ص ۴۵.

۴. ابوالقاسم گرگی، پیشین، ص ۲۷۲.

۵. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۴۳.

است که «باشد به این که فقرا در مال اغنیا شریک هستند»^۱...»^۲.

صاحب جواهر در کتاب خود به مقایسه حکم و فتوا پرداخته است. ایشان ضمن بحثی درباره نقض حکم حاکم چنین می‌گویند: «فرق بین فتوا و حکم این است که فتوا گزارش از خداوند متعال است در یک حکم کلی شرعی... اما حکم دستوری است از سوی حاکم (نه از سوی خداوند متعال)، برای عمل کردن طبق یک حکم شرعی تکلیفی، یا اعتبار تحقق یک حکم وضعی یا موضوع حکم تکلیفی یا وضعی در موردی خاص»^۳. ایشان براساس مقبوله عمر بن حنظله درباره جعل ولایت، نتیجه می‌گیرد که تعریف یاد شده چنانچه حکم قضایی را شامل می‌شود، حکم حکومتی را هم دربر می‌گیرد.

علامه طباطبایی در مورد لازم‌الاجرا بودن حکم حکومتی می‌نویسد: «ولی امر می‌تواند، یک سلسله تصمیمات مقتضی به حسب مصلحت وقت گرفته و طبق آنها مقرراتی وضع نماید و به موقع اجرا بیاورد. مقررات نام برده لازم‌الاجرا و مانند شریعت دارای اعتبار می‌باشند. با این تفاوت که قوانین آسمانی، ثابت و غیرقابل تغییر و مقررات وضعی قابل تغییر و در ثبات و بقا تابع مصلحتی می‌باشند که آنها را به وجود آورده است»^۴.

دیدگاه اول: برطبق این دیدگاه احکام حکومتی در طول احکام اولیه و ثانویه در نظر گرفته می‌شود. به همین دلیل حکم حکومتی در بعد محتوا خارج از این دو قسم نمی‌باشد. در نتیجه در این نظر ما شقّ سومی به نام احکام حکومتی که در مقابل احکام اولیه و ثانویه باشد نداریم. به عنوان مثال در مورد حکم میرزای شیرازی در قضیه تحریم تنباکو آن را حکم حکومتی نمی‌دانند. پس ما نه مصداقاً و نه مفهوماً چیزی به نام احکام حکومتی نداریم.

دیدگاه دوم: این دیدگاه برخلاف نظر پیشین احکام حکومتی را قسیم احکام اولیه و ثانویه دانسته و از شقّ سومی از احکام به نام احکام حکومتی نام می‌برند. این دیدگاه که امروزه از شهرت بیشتری برخوردار است در مورد محتوای احکام حکومتی می‌گویند: در برخی موارد مصداق حکم حکومتی، مصداق حکم ثانویه است و در برخی مواقع مصداق حکم حکومتی همان مصداق حکم اولیه می‌باشد، و لکن در مواردی هیچیک از اینها نیست و حکم حکومتی صرفاً به خاطر مصلحت صادر می‌شود.^۵

در جمع‌بندی این قسمت باید گفت، مصلحت موجود در احکام اولیه و ثانویه توسط خداوند تشخیص داده شده و به آن مصالح «نفس الأمری» می‌گویند. حال آنکه مصلحت‌سنجی در احکام

۱. میرزا محدث نوری، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت، ج ۷، ص ۲۴.

۲. امام خمینی(ره)، صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۰۳.

۳. محمدحسین نجفی، جواهرالکلام، ج ۴، ص ۱۰۰.

۴. محمدحسین طباطبائی، بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، مقاله «ولایت و زعامت»، ص ۸۲.

۵. ر.ک. مجموعه آثار کنگره بررسی فقهی حضرت امام خمینی (ره)، ج ۱۴، مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین عمید زنجانی، ص ۲۲۰.



حکومتی از جانب حاکم مسلمانان و در هنگام ضرورت تشخیص داده می‌شود. بنابراین در اینجا، مصالح موجود در حکم حکومتی با مصالح موجود در احکام اولیه و ثانویه تفاوت دارد. با کمی دقت می‌توان دریافت این دو مصلحت هم از لحاظ «منشأ سنجش مصلحت» و هم از لحاظ بستر و دایره اعمال آن با هم متفاوت هستند. زیرا در مصالح نفس‌الأمری موجود در احکام اولیه و ثانویه، شارع مقدس هم مصلحت فرد و هم مصلحت جامعه را توأمان در نظر دارد. درحالی که در مصلحت موجود در حکم حکومتی فقط مصالح جمعی در نظر گرفته می‌شود. نتیجه کلی آنکه حکم حکومتی نه حکم اولیه است و نه حکم ثانویه، کمااینکه پیشتر آمد امام خمینی (ره) نیز تصریح می‌کنند این احکام در زمره احکام اولیه نمی‌باشند.

دیدگاه امام (ره) و سایر مراجع و مجتهدانی که با تشکیل حکومت دینی و جریان احکام حکومتی موافقت، این است که از باب تقدم اهم بر مهم، حکم حاکم بر حکم اولی تقدم دارد. این دیدگاه از آنجا ناشی می‌شود که مصلحت اجتماعی، به صورت قطعی و ضروری کشف شده است و اگر به آن توجه نشود، اصل اسلام زیر سؤال می‌رود و ناتوانی آن آشکار می‌گردد. از همین رو امام خمینی (ره) می‌فرماید:

«باید عرض کنم حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - است، یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعی، حتی نماز و روزه و حج است. حاکم می‌تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد کند. حاکم می‌تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند و مسجدی که ضرار باشد، در صورتی که رفع بدون تخریب نشود، خراب کند. حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است، در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد، یکجانبه لغو کند و می‌تواند هر امری را، چه عبادی و یا غیرعبادی است که جریان آن مخالف مصالح اسلام است، از آن مادامی که چنین است جلوگیری کند. حکومت می‌تواند از حج، که از فرایض مهم الهی است، در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی دانست موقتاً جلوگیری کند»^۱.

فصل سوم - مصلحت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

در فصول پیشین به مباحث مربوط به سیر تحولات مفهومی مصلحت در اسلام اشاره شد و بر نقطه‌نظرات فقها در باب فقه حکومتی، ولایت فقیه و مصلحت نظری اجمالی افکنديم. در پی آن با بررسی احکام سه‌گانه نظر امام (ره) در این باب را مشخص شد. در این فصل از آرا و دیدگاه‌های

۱. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۵۳.

فقیه معاصر شیعی، حضرت امام خمینی (ره) در باب مصلحت سخن گفته می‌شود. چون ایشان اولین و تنها فقیهی هستند که توانسته‌اند بر اندام نظرات فقهی خویش جامه عمل بپوشانند از این رو شایسته است که بیش از بحث مفهوم مصلحت در آرا و نظرات ایشان به نمونه‌های عملی پرداخته و عمل ایشان به مصلحت را در دوران حکومت اسلامی مورد بررسی قرار داده شود. با این بیان در تداوم روند اصلی گزارش بر مبانی اصلی و تئوریک فقه حکومتی و سیاست در منظر امام خمینی (ره)، می‌پردازیم تا به نظرات ایشان درخصوص مصلحت در حکومت اسلامی نزدیک شویم.

۱-۳. مبانی تئوریک و فقه حکومتی امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) در دیدی جامع‌نگر می‌فرماید:

«اسلام همه این معانی را دارد و جامع تمام جهات مادی و معنوی و غیبی و ظاهری هست، برای اینکه انسان دارای همه مراتب هست». ^۱ ارائه چنین تعریفی از اسلام آن را دینی جامع و متعال معرفی می‌نماید، دینی که نه تنها بعد فردی را مورد توجه خود قرار داده، بلکه بعد جمعی آن را نیز از نظر دور نداشته و با هدف دستیابی به مرتبه عالی به دنبال آن است که «انسان را انسان کند و همانطوری که جامعه‌اش را اصلاح بکند، خودش را هم کامل کند...» ^۲ این قرائت از دین پاسخی است به نگرش‌های افراطی و تفریطی از دین. نگاه تفریطی قشربون که تمام احکام و آیات قرآنی را به جهات عرفانی و معنوی بازگردانده و به کلی از حیات مادی غافل شده و نگاه افراطی گروهی که با بازگرداندن معنویات به مادیات، اسلام را محدود به احکام فرعیه نموده‌اند. ^۳

از این رو حضرت امام (ره) «جامعیت دین اسلام» را مبنای حرکت اصلاحی و سنگ بنای اصلی تئوری خویش قرار دادند. ایشان با تکیه بر این مبنا به بحث در مورد جایگاه حقیقی سیاست و احکام سیاسی در اسلام پرداختند و با بیان اینکه «دین علی حده است، سیاست علی حده است». ^۴ به شناخت ناقص از اسلام اشاره کرده و در مورد سیاست و دین فرمودند: «مگر سیاست چی است؟ روابط ما بین حاکم و ملت، روابط ما بین حاکم با سایر حکومت‌ها - عرض می‌کنم که - جلوگیری از مفاسدی که هست، همه اینها سیاساتی است که هست. احکام سیاسی اسلام بیشتر از احکام عبادی است. کتاب‌هایی که اسلام در سیاست دارد بیشتر از کتاب‌هایی است که در عبادت دارد». ^۵

در نقطه مقابل نظریه جامعیت دین (اسلام) ما شاهد دیدگاهی هستیم که برای دین حوزه

۱. همان، ج ۳، ص ۲۳۱.

۲. همان، ص ۲۳۱.

۳. همان، ص ۲۲۳.

۴. همان، ص ۲۲۸.

۵. همان.



محدودی را در حیات فردی و اجتماعی در نظر گرفته و در مواجهه با مقوله «حکومت اسلامی» بیان می‌کنند که محور اصلی این الگو توجه به «اصول اساسی شریعت» بوده و هدف کلی دین تأمین سعادت اُخروی انسان است و توان پای گذاردن در میدان پر آشوب اجتماعی و سیاسی را ندارد.

این نگاه به دین در غرب پس حاکمیت ناموفق کلیسا و مذهب مسیحیت رواج بیشتری پیدا کرد و نمله‌های فکری و فلسفی همانند حلقه وین و پوزیتیویست‌ها با غیرعلمی دانستن قضایای متافیزیکی به نفی امور دینی و ماورای طبیعی پرداختند. در این زمان توجه به «مصالح عمومی» در قالب منافع که محصول آرای عمومی است با اولویت بر بعد مادی زندگی بشر شاخص‌ترین ویژگی این دوران را تشکیل می‌دهد. از این‌رو منتقدین نظریه جامعیت دین اسلام با قرار دادن «اصول شریعت» در برابر «رأی اکثریت» که نماد دمکراسی‌های امروزی است، بیان داشتند که در اسلام امکان جمع میان «مصلحت عمومی» و «مصلحت شرعی» که مصالح واقعی را در نظر دارد، وجود ندارد.

این نقد در حالی است که مشاهده می‌شود که حضرت امام خمینی (ره) در نظریه حکومتی خود با عنوان «ولایت مطلقه فقیه» برخلاف مدعای موجود بین «مصلحت عمومی» و «مصلحت شرعی» ارتباط برقرار کرده و موفق شده‌اند میان آنها در فضایی خارج از حوزه (کلام و فقه) که پیشتر بررسی شد جمع ایجاد کنند. برای تبیین نحوه اجماع این دو مصلحت لازم است که نظریه ولایت فقیه ایشان مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۳. ولایت فقیه و مصلحت

همانطور که بیان شد در شرع مقدس اسلام و فقه شیعی، فقها در مورد ولایت فقیه دارای مباحث و نظراتی هستند و بالاتفاق درباره ولایتی که فقیه دارد ابراز نظر کرده و تنها در شئون و محدوده اختیارات ولایت فقیه در زمان غیبت، آرا و نظراتشان متفاوت می‌باشد. قاطبه این فقها در اثبات نوعی از ولایت (مانند ولایت در امور حسبیه یا ولایت بر صغار) برای فقیه جامع‌الشرایط اتفاق نظر اجمالی دارند.

اما حضرت امام خمینی (ره) ولایت فقیه را به‌صورتی وسیع و بسیار بسیط و گسترده طرح کردند. ایشان بر این اعتقاد هستند که حکومت اسلامی و تشکیل آن توسط فقیه جامع‌الشرایط بوده و اداره و نظارت به تمام معنا در چنین حکومتی مخصوص فقهاست. ایشان در اثبات نظر خود مبنی بر لزوم ولایت فقیه در جامعه دلایلی را برای تشکیل حکومت اسلامی بیان می‌کند که عبارتند از:

الف) عمل پیامبر (ص) در تشکیل حکومت،

ب) اجرای احکام الهی که برای همیشه وجود این احکام ضرورت دارد،

ج) ماهیت و کیفیت قوانین اسلام که بدون حکومت و بدون حضور حاکم فقیه قابل اجرا نیست. دلایل مذکور از طرف ایشان مبتنی بر همان تقسیم‌بندی از شئون پیامبر (ص) و امامان (ع) می‌باشد. همانطور که آمد ایشان برای پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) دو نوع ولایت و دو شأن قائل هستند:

اول: شأن نبوت یا امامت،

دوم: شأن حکومت و ریاست جامعه مسلمانان.

شأن اول مخصوص پیامبر و امامان است و هیچ‌کس به مقامات معنوی این معصومین نمی‌رسد اما درباره ولایت اعتباری حضرت امام خمینی (ره) می‌فرمایند:

«این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم (ص) بیشتر از حضرت امیر (ع) بود یا اختیارات حکومتی حضرت امیر (ع) بیش از فقیه است، باطل و غلط است. البته فضایل حضرت رسول اکرم (ص) بیش از همه عالم است و بعد از ایشان فضایل حضرت امیر (ع) از همه بیشتر است، لکن زیادی فضایل معنوی اختیارات حکومتی را افزایش نمی‌دهد. همان اختیارات و ولایتی که حضرت رسول و دیگر ائمه، صلوات الله علیهم، در تدارک و بسیج سپاه، تعیین ولات و استانداران، گرفتن مالیات و صرف آن در مصالح مسلمانان داشتند، خداوند همان اختیارات را برای حکومت فعلی قرار داده است؛ منتها شخص معینی نیست، روی عنوان «عالم عادل» است»^۱.

همانطور که مشاهده می‌شود ایشان قلمرو ولایت فقیه را بسان قلمرو حکومت پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) گسترده و تام می‌داند و بر این باور است که ولی فقیه، در تدبیر و اداره کشور و در همه امور، حق دخالت و تصمیم‌گیری دارد. بر همین پایه عنوان ولایت مطلقه فقیه در دیدگاه امام (ره) ریشه در همین نوع نگاه دارد. زیرا اطلاق سخنان ایشان در برابر تقیید است، چه تقیید به امور حسبیه و یا در داوری و اجرای حکم باشد. از این منظر مشخص می‌شود امام (ره) دیدگاه تازه‌ای در باب ولایت فقیه ارائه نداده، بلکه وی، برابر نیاز زمان، لازم دیده آنچه را در کتاب البیع و ولایت فقیه آورده، موضوع را با یادآوری پاره‌ای از اختیارات ولی فقیه روشن‌تر کنند.

آنچه که دیدگاه امام (ره) نسبت به ولایت فقیه را از فقهای پیشین مجزا می‌نماید وابسته به تعریفی است که ایشان از فقه دارند. در منظر امام (ره) فقه مجموعه تلاش‌های عملی فقها و علمای اسلام در جهت پاسخگویی به همه مسائل و مشکلات عملی مردم در زندگی دنیوی است و لذا آنچنان است که از حیث ماهیت و محتوا در آن بعد عملی دین متجلی می‌شود. ایشان در این باب می‌فرمایند: «...ما باید بدون توجه به غرب درصدد تحقق فقه عملی اسلام برآییم و روحانیت تا در همه مسائل و مشکلات حضور فعال نداشته باشد، نمی‌تواند درک کند که اجتهاد مصطلح برای

۱. امام خمینی (ره)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، صص ۵۰-۵۱.



اداره جامعه کافی نیست. حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهبهای عکس‌العمل مناسب باشند. چه بسا شیوه‌های رایج اداره امور مردم در سال‌های آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند.^۱

با این بیان در منظر امام خمینی (ره) ماهیت فقه چنان است که تدبیر امور مادی و دنیوی مردم را با تکیه بر اصول وضع شده توسط شارع در قالب قرآن و سنت را یکی از ارکان اولیه فقه و وظایف ولایت فقیه معرفی می‌نماید. از این رو با تأمل در مفهوم «ولایت» دانسته می‌شود که بحث «مصلحت» در آن نهفته است. زیرا امام خمینی (ره) ولایت فقیه و احکام حکومتی آن را از احکام اولیه می‌داند^۲ و مسئله ولایت یک «حکم اولی» مانند ولایت پدر بر فرزند است. حال حکومت حاکم و ولی امر نیز مانند پدر و جد، یک حکم اولی است. لکن تفاوت میان این دو نوع از ولایت در گستره و حوزه ولایتشان می‌باشد. در اولی هدف حفظ «مصلح فرزند صغیر» و در دومی «حفظ مصالح اسلام و مسلمین» می‌باشد. در نتیجه ولایت حاکم اسلامی در قید «مصلحت» قرار داشته و مقید به آن می‌باشد. همانطور که امام راحل در کتاب البیع، عمل و نظر حاکم را تابع مصلحت می‌دانند.^۳

دیدگاه امام (ره) عنصر «مصلح عمومی» و عنصر «زمان و مکان» به‌عنوان اصول مهم در مقام اجتهاد و تعیین احکام اداره جامعه شناخته می‌شوند. ایشان در این باب می‌فرمایند: «لذا در حکومت اسلامی همیشه باید باب اجتهاد باز باشد ... و کسی توان و حق جلوگیری از آن را ندارد ولی مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که براساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه‌ریزی کند که وحدت رویه و عمل ضروری است و همین‌جاست که اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نمی‌باشد ...»^۴

امام (ره) با توجه دادن فقها به عنصر «زمان و مکان» و «مصلحت» نهفته در ولایت فقیه طرح تازه‌ای را برای اداره جامعه مبتنی بر اصول شریعت و کتاب و سنت ارائه نمودند که در آن خلوص دین در کنار حفظ ماهیت فقه جواهری توانست در زمینه کاربرد و اداره عملی جامعه توسعه‌یافته و «فقه پویا» را پایه‌گذاری نماید. البته فقه‌ای که دربرگیرنده مصالح عمومی جامعه می‌باشد. اما در اینجا با دو مسئله و سؤال اصلی روبرو هستیم اول حضرت امام خمینی (ره) با چه روشی دست به توسعه فقه می‌زنند. دوم چگونه میان «مصلحت شرعی» و «مصلحت عمومی» جمع حاصل می‌نمایند. در ادامه بحث تلاش می‌کنیم به این دو پرسش محوری پاسخ دهیم. پاسخ به این پرسش‌ها موجب

۱. همان، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۹۳.

۲. همان، ج ۲۰، ص ۵۸.

۳. همان، کتاب البیع، ج ۲، ص ۶۱.

۴. همان، صحیفه امام، ج ۲۱، صص ۱۷۷-۱۷۸.

می‌شود که تفاوت میان دیدگاه امام (ره) در مورد مصلحت با دیدگاه اندیشمندان و فلاسفه غربی و دیدگاه اهل تسنن و دیدگاه فقهای شیعی پیشین نمایان شود.

در فصل مربوط به احکام، بحث از اختلاف نظر در مورد حوزه صدور احکام حکومتی شد. زیرا گروهی آن را در زمره احکام اولیه می‌دانستند و گروهی دیگر آن را در محدوده احکام ثانویه قرار می‌دادند. این نظرات در کنار دیدگاهی که احکام حکومتی را قسمتی جدای از احکام اولیه و ثانویه می‌دانستند، طیفی را به وجود می‌آورد که نظراتشان نتایج متفاوتی را در مورد مصلحت به بار می‌آورد. حال در اینجا تلاش می‌کنیم با توجه به کلام امام (ره) کارویژه‌های احکام حکومتی و محدوده عمل آن را مشخص کنیم. زیرا پاسخ به پرسش در مورد چگونگی توسعه فقه در دیدگاه امام (ره) از اینجا ناشی می‌شود.

همانطور که می‌دانیم تفاوت امام خمینی (ره) با فقهای پیشین شیعه آن است که امام (ره) توانستند بر نظرات فقهی خویش جامه عمل بپوشانند و در قامت رهبر انقلاب و حکومت جمهوری اسلامی تجربه‌ای تازه و بی‌بدیل را در دوران غیبت در تاریخ شیعه تجربه کنند. امام (ره) چه در بعد نظر و چه در بعد عمل نسبت به فقهای پیشین، فقهی عملگرا و سیاسی‌تر می‌باشد و از آنجا که در تجربه اداره کشور نیز مستقیم دخالت داشتند با واقعیات و جنبه‌های عینی و عملی سیاست بیشتر آشنا شده و ضروریات آن را بیشتر درک کردند. از این رو با در نظر گرفتن این واقعیات در دو مرحله به گسترش دامنه احکام صادره از حکومت پرداختند. این احکام دامنه‌ای فراتر از احکام ثانویه مصطلح در فقه پیشین دارد.

بر اساس گفته‌های پیشین احکام ثانویه در دو دسته فردی و جمعی وجود دارند که نظم و حفظ نظام از عناوین ثانویه جمعی است که در حل مسائل و مشکلات اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما عناوین دیگر احکام ثانویه همانند عسر و حرج و ضرر ماهیت فردی دارند.

امام (ره) بر آن اساس که نفس تشکیل حکومت از احکام اولیه است به پایه‌گذاری جمهوری اسلامی همت می‌گمارند و در دوران پس از انقلاب در پی حوادث، مسائل و مشکلات پیش آمده در تجربه عملی حکومت‌داری، برای چیرگی بر این مشکلات و بالا بردن توان اداره کشور تلاش می‌نمایند که با محکم کردن احکام حکومتی منطبق بر شرع، حفظ نظام را میسر سازند در این جهت احکام ثانویه را به عناوین جمعی توسعه داده و در نتیجه دامنه احکام حکومتی را گسترش می‌دهند. حاصل این عمل بالا رفتن توان احکام حکومتی است. در این عرصه حکومت اسلامی باید علاوه بر «حفظ نظام» و جلوگیری از اختلال در نظم آن «ضرر» و «حرج» کل جامعه را در نظر بگیرد. بنابراین در اینجا احکام حکومتی همان احکام ثانویه هستند که عناوین فردی آنها مرزهای خود را توسعه داده و به بعد اجتماعی پای گذارده‌اند.



در قواعد سیاست عملی اسلام دو گروه از قواعد را می‌توان تشخیص داد، گروه اول اصولی هستند که بر روند عادی و متعارف حیات سیاسی جامعه اسلامی چه روابط داخلی و چه روابط خارجی ناظر هستند و گروه دوم، اصولی می‌باشند که ناظر بر وضعیت مبتنی بر تزامم می‌باشند.^۱ در وضعیت تزامم سؤالی پیش می‌آید که در تقابل واقعیات با ارزش‌ها چه باید کرد؟ پاسخ به این پرسش نیازمند قواعدی است که به «قواعد رافع تزامم» مشهور می‌باشند. آن مصلحتی که مد نظر امام خمینی (ره) است، از حیث ماهوی متعلق به این گروه بوده و با «اضطرار»، «اعسار»، «تقیه»، «اهم و مهم» و «دفع فاسد به افسد» هم‌خانواده می‌باشد. تفاوت مصلحت در دیدگاه امام خمینی (ره) با مصلحت در حوزه دوگانه فقه و کلام در همین نکته نهفته است. این نوع از مصلحت مبتنی بر عمل و روش بوده و گروهی از پژوهشگران آن را «مصلحت استراتژیک»^۲ نامیده‌اند. ریشه این نوع از مصلحت در تجربه عملی حکومت‌داری امام (ره) نهفته است و به علت آنکه در گروه رافع تزامم قرار دارد، صرفاً در جایی رخ می‌نماید که به شکلی ما شاهد تزامم بین دو یا چند سیاست در مقام تصمیم‌گیری باشیم. به همین دلیل ما در فرمان حضرت امام (ره) برای تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام شاهد یک ضرورت سیاسی-اجتماعی هستیم که در مقام تصمیم‌گیری رخ می‌نماید. به ویژه آنجا که می‌فرمایند:

«حضرات آقایان توجه داشته باشند که مصلحت نظام از امور مهمه‌ای است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می‌شود. امروز جهان اسلام نظام جمهوری اسلامی ایران را تابلوی تمام‌نمای حل معضلات خویش می‌دانند. مصلحت نظام و مردم از امور مهمه‌ای است که مقاومت در مقابل آن ممکن است اسلام پابرهنگان زمین را در زمان‌های دور و نزدیک زیر سؤال برد...»^۳ و در جایی دیگر خطاب به اعضای شورای نگهبان می‌فرمایند:

«تذکری پدران به اعضای عزیز شورای نگهبان می‌دهم که خودشان قبل از این گیرها، مصلحت نظام را در نظر بگیرند، چراکه یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پرآشوب کنونی نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیری‌هاست. حکومت فلسفه عملی برخورد با شرک و کفر و معضلات داخلی و خارجی را تعیین می‌کند»^۴.

در این سخنان امام (ره) به روشنی عبارات «مصلحت نظام»، «نقش زمان و مکان»، «تصمیم‌گیری» و «فلسفه عملی» در برخورد با معضلات نشان می‌دهد که سد باب مصلحت فقهی که گمان می‌رفت در تفکر شیعی باب مصلحت را کاملاً مسدود کرده، در منظر ایشان با ارائه آرای

۱. ر.ک. هادی نخعی، توافق و تزامم منافع ملی و مصالح اسلامی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل، ۱۳۷۶.

۲. اصغر افتخاری، امام خمینی و حکومت اسلامی (احکام حکومتی و مصلحت) مقاله مصلحت به مثابه روش، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ص ۲۷.

۳. امام خمینی (ره)، صحیفه امام (ره)، ج ۲۰، صص ۴۵۵-۴۶۵.

۴. همان، ج ۲۱، صص ۲۱۷-۲۱۸.

جدید بُعد حکومتی مصلحت را در قامت روشی برای تصمیم‌سازی سیاسی مورد پذیرش قرار داده است و اما آغاز دومین مرحله از توسعه احکام حکومتی را می‌توان در وصیتنامه امام راحل مشاهده کرد. آنجا که در بهمن‌ماه ۱۳۶۱ به شورای نگهبان چنین وصیت می‌نماید:

«از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آینده که با کمال دقت و قدرت وظایف اسلامی و ملی خود را ایفا و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند و با ملاحظه ضرورات کشور که گاهی با احکام ثانویه و گاهی به ولایت فقیه باید اجرا شود توجه نمایند»^۱.

همانطور که مشاهده می‌شود در این سخن امام (ره) ولایت فقیه در کنار احکام ثانویه اجتماعی به‌عنوان ابزاری کارآمد معرفی می‌شود که در شرایط ضرورت می‌تواند به حل مشکلات کمک نماید. گرچه استفاده از احکام ثانویه برای رفع مشکلات ضروری تا سال ۱۳۶۶ ادامه داشت، اما از این دوران به بعد با وارد شدن جنگ به دوران حساس خود و بحران‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی به وجود آمده، رهبر انقلاب باب جدیدی را برای احکام حکومتی گشودند که محور اصلی آن حفظ نظام می‌باشد. حفظ نظام برخلاف عناوین ضرر و حرج که حالتی افعالی دارند، ایجابی بوده و حکومت می‌تواند براساس آن ابتدا نسبت به برخی مسائل تصمیم‌گیری نماید. این تصمیم‌سازی سازوکار و ضوابط خواص خود را دارد که در فصول بعدی با آوردن نمونه‌هایی به توضیح آن خواهیم پرداخت. در ادامه این فصل پس از بررسی مصلحت عمومی در منظر امام (ره) تلاش می‌شود زمینه را برای برای شناخت قلمرو و الگوهای مصلحت در دیدگاه ایشان آماده نماییم.

۳-۳. مصلحت عمومی

با توجه به تأکید امام (ره) بر مصالح کشور،^۲ مسلمین،^۳ زجرکشیده‌ها،^۴ جامعه اسلامی،^۵ مصالح عمومی اسلامی،^۶ مصالح اجتماعی^۷ و مصالح ملت^۸ در سخنان و بیاناتشان و تعیین مرجعی در عرصه اداره سیاسی و اجتماعی که بتواند مصالح جامعه را حتی به قیمت تعطیلی برخی از احکام فرعی و شرعی تأمین کنند، می‌توان به یک نتیجه مهم دست یافت. نتیجه آن است که با آنکه مفهوم «مصلحت» در دین عام‌تر از مفهوم «مصلحت عمومی» می‌باشد، ولی در اندیشه امام (ره) و در ذیل

۱. همان، وصیتنامه سیاسی - الهی، متن، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره)، ص ۴۷.

۲. همان، ج ۵، ص ۴۷۱.

۳. همان، ج ۳، ص ۴۳۶.

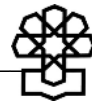
۴. همان، ج ۱۷، ص ۷۲.

۵. همان، ج ۲۱، ص ۳۴۸.

۶. همان، ج ۱۹، ص ۱۴.

۷. همان، ج ۱۸، ص ۴۲۶.

۸. همان، ج ۱۷، ص ۷۲.



آن می‌توان مؤکداً از مفهوم مصلحت عمومی سخن گفت و براساس آن برای نظام اسلامی، احکامی را وضع و جعل کرد.

همانطور که دیده شد با طرح مصلحت عمومی در دیدگاه امام (ره)، این ادعا که باید میان «مصلحت شرعی» و «مصلحت عمومی» و یا میان انسان و خدا یکی را انتخاب کرد، مردود می‌گردد. زیرا ایشان چه در عمل و چه در بعد نظر به‌عنوان کارشناس دینی و کسی که تمام تلاش او برای پیاده نمودن احکام الهی است، با شدت و حدت از حقوق و خواسته‌های جامعه دفاع می‌کند. بنابراین مشخص می‌شود که لزوماً تأکید بر خدامحوری به نفع مردم و خواسته‌های آنها و یا بالعکس منتج نمی‌شود و می‌توان از هر دو اما در طول هم (نه در عرض هم) سخن گفت. از آن رو بر این نکته تأکید شد که در تاریخ غرب، در دوران حاکمیت دین، به مصلحت عمومی بی‌توجهی شد و زمانی که در دنیای مدرن سخن از مصلحت عمومی بود، دین مورد بی‌توجهی قرار گرفت. امام خمینی (ره) با پیوند این دو مصلحت توانایی اسلام را در اداره جامعه نمایان ساختند.

نکته دیگر اینکه امام (ره) حتی ولایت مطلقه فقیه و صدور حکم حکومتی رهبر را مبتنی بر مصلحت جمعی معرفی می‌نمایند. یعنی مرز ولایت مطلقه، مفهوم مصلحت است. به‌عنوان مثال ایشان می‌فرمایند: «اگر بگوییم امام معصوم راجع به طلاق همسر یک مرد یا فروختن و گرفتن مال او - گرچه مصلحت عمومی هم اقتضا نکند - ولایت دارد، این دیگر در مورد فقیه صادق نیست و او در این مورد ولایت ندارد».^۱

و یا در قسمت دیگر آمده است: «جامعه اسلامی می‌تواند در موضوعات، بنابر مصالح کلی مسلمانان یا برطبق مصالح افراد حوزه حکومت خود عمل کند. این اختیار هرگز استبداد به رأی نیست، بلکه در این امر مصلحت اسلام و مسلمین منظور شده است. پس اندیشه حاکم جامعه اسلامی نیز، هم چون عمل او تابع مصالح اسلام و مسلمین است».^۲

حال اگر مصلحت عمومی را محور حکم حکومتی بدانیم و از آنجا که مصلحت عمومی در جامعه اسلامی با دین پیوند نزدیکی دارد، این امکان هست که مصلحت با نصوص دینی کاملاً سازگار باشد. در این صورت به نوع خاصی از حکم حکومتی نیازمند هستیم و یا ممکن است مصلحت عمومی حکمی بیان کند که شرع نسبت به آن ساکت است و در این صورت حکم حکومتی جدید به وجود می‌آید و در حالت سوم حتی اگر بین مصلحت عمومی و نصی در شرع تعارضی وجود داشته باشد این امکان وجود دارد که اگر مصلحت جدی در پیش باشد به تعطیلی موقت نصی منجر شود و حکم حکومتی بر مبنای مصلحت بر حکم اولیه حاکم گردد. این توانایی برای حاکم

۱. همان، شئون و اختیارات ولی فقیه (ترجمه و انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵)، ص ۶۶.

۲. همان، ص ۲۱.

اسلامی و احکام حکومتی، چیزی است که از آن به ولایت مطلقه فقیه در برابر ولایت مقیده تعبیر می‌شود.

ویژگی تفکر امام خمینی(ره) در آن است که به‌عنوان اولین متفکر شیعی در حال حاضر بر روی مفهوم مصلحت به‌صورتی کامل و دقیق متمرکز شده‌اند. گرچه در بحث‌های کلامی، اصولی و فقهی به این مسئله پرداخته‌اند، اما در قامت حاکم اسلامی و از موضع سیاست‌مدار شیعی، نیاز به طرح مصلحت را خصوصاً در سال‌های اخیر عمرشان درک کردند. هنر ایشان در آن است که «مصلحت اسلام» را کنار «مصلحت مسلمین» آورده و «مصلحت نظام» را با «مصلحت کشور» یکی دیده و (مصالح مردم، زجرکشیده‌ها، پابرنه‌ها و جبهه‌رفته‌ها) برایشان موضوعیت یافته است. از این‌رو ایشان شکاف پر ناشدنی بین خلق و خالق را پر کرده و حرفشان (یا خدا یا انسان) نیست، بلکه سخنشان (هم خدا و هم مردم) است و اینها را در طول هم می‌بیند.

از سوی دیگر حضرت امام خمینی (ره) به آن سؤال اساسی که معمولاً در جوامع دینی راه را برای مصلحت عمومی می‌بندد، پاسخ داده است و آن در جایی است که مصلحت مردم که عقلاً و متخصصین جامعه اسلامی تشخیص می‌دهند، با شرع سازگار نباشد. در منظر ایشان با طرح ولایت مطلقه فقیه که حاکم دارای اختیارات حکومتی مطلقه بر مبنای مصالح عامه است، این احکام می‌توانند مصلحت به‌حق مردمی را حتی به قیمت تعطیلی موقتی شرع (که البته این تعطیلی نیز مادام‌المصلحه است و ممکن است قرن‌ها طول بکشد) ساری و جاری نمایند. ایشان با این شیوه بین شرع، عقل و بین مصلحت عمومی و مصلحت شرعی پیوند برقرار کرده‌اند.

۳-۴. ضوابط مصلحت

حال که تا حدودی ابعاد دیدگاه امام خمینی (ره) در مورد مصلحت بیان شد نیازمند آن هستیم که ضوابطی که برای تشخیص یک مصلحت، مورد نیاز است را مشخص سازیم. زیرا زمانی که یک نظام سیاسی بر پایه دین و اصول الهی شکل می‌گیرد و همان‌گونه که قوانین آن از نصوص دینی منبعث می‌شود، راهکارهای اجرایی و تصمیمات اتخاذ شده سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... در هنگام اصطکاک و تزاخم مصالح نیز باید برخاسته از متون دینی و یا منابع مورد تأیید آن باشد. امام خمینی (ره) در کتاب ولایت فقیه خود در باب حکومت اسلامی می‌فرماید:

«...حکومت‌کنندگان در اجرا و اداره مقید به یک مجموعه شرط هستند که در قرآن کریم و سنت رسول اکرم (ص) معین گشته است. «مجموعه شرط» همان احکام و قوانین اسلام است که باید رعایت و اجرا شود. از این جهت حکومت اسلامی «حکومت قانون الهی بر مردم» است.^۱»
به سخن دیگر مصلحت خود نمی‌تواند منبعی از منابع استنباط در کنار دیگر ادله قرار گیرد و

۱. همان، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، ص ۴۴.



بر پایه آن حکمی توسط حاکم صادر گردد، بلکه محکامات ادله چون کتاب، سنت، عقل و... که در بررسی سیره عملی امام علی (ع) از آن یاد شد خود موجب می‌شود تا مصلحتی نمایان شود. در نتیجه در وهله اول خود نصوص دینی، تنها ضابطه کلی و اصلی تشخیص در خصوص مصالح می‌باشد که توسط آن می‌توان به شناخت ضوابط جزئی و فرعی دست یافت که در اینجا با تکیه بر دیدگاه امام (ره) به مهمترین این ضوابط اشاره می‌شود:

۱-۴-۳. توجه به اصول شریعت

مصلحت همواره باید در طول احکام و اصول شریعت باشد، زیرا که مصلحت برای حفظ اصول و اجرای احکام است، نه برای تعطیل کردن و یا تحت‌الشعاع قرار دادن آن. در منظر امام (ره) مصلحت در ولایت نهفته است. در نتیجه تحقق این مصلحت نیز در جهت اجرای احکام الهی است. ایشان از این منظر در مورد ضرورت تشکیل حکومت می‌فرمایند: « بنابراین، چون اجرای احکام پس از رسول اکرم (ص) و تا ابد ضرورت دارد، تشکیل حکومت و برقراری دستگاه اجرا و اداره ضرورت می‌یابد». ^۱ شاید بر همین اساس باشد که علمای اهل تسنن می‌گویند، مصلحت مرسله باید مندرج در مقاصد شارع باشد و اگر قرار باشد امری مقاصد شارع را از بین ببرد دیگر مصلحت نخواهد بود. خلاصه آنکه در نظر گرفتن هر مصلحتی حتی تشکیل حکومت نیز در جهت تحقق مقاصد شارع و در طول مصالح نوع اول که نفس‌الامری هستند می‌باشد.

۲-۴-۳. رعایت اهم و مهم

این اصل عقلایی مورد پذیرش همگان بوده و در هنگام تزامن بین دو امری که لازم‌الاجرا هستند و امکان عمل به هر دو نیست، توجه خود را به اهم کرده و مهم را فدای آن می‌کنند. امام خمینی (ره) نیز بر این ضابطه تأکید داشته‌اند و در شرایط ویژه و مشکلات پیش آمده آن را گوشزد فرموده‌اند. ^۲ تفاوت میان دیدگاه امام (ره) در این باب با فقهای اهل تسنن در این است که دانشمندان اهل تسنن بر مبنای اصولی خود معارض نبودن مصلحت با کتاب، سنت و قیاس را در مصالح مرسله بیان کرده‌اند. یعنی در جایی که شارع نه آن را امضا و نه ملغا کرده، بلکه نسبت به آن سکوت کرده و یا آن را رها کرده است، اما در دیدگاه امام (ره) ولی فقیه مصلحت ملزمه‌ای را تشخیص داده است، معارض بودن با کتاب و سنت نمی‌تواند مانع باشد والا تشخیص مصلحت لغو خواهد بود، به عبارت دیگر معارض در اینجا مصلحتی اهم از حکم کتاب و سنت دارد. در همین ضابطه و قاعده حضرت امام (ره) بر مصلحت نظام تأکید فراوان داشته و همواره توصیه می‌کردند

۱. همان، ص ۲۸.

۲. همان، صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۵۰۹.

که: «در اسلام مصلحت نظام از مسائلی است که مقدم بر هر چیز است و همه باید تابع آن باشیم».^۱ نقطه مشترک و برجسته در این دو ضابطه‌ای که گذشت «حفظ دین» است. یعنی حتی در ضابطه دوم که برای مصلحت نظام می‌توان یکی از فروع دین مثل نماز یا حج را به صورت موقت تعطیل کرد، در واقع این مصلحت نظام، مصلحت اسلام و دین را چون در پی خود دارد اهمیت و ارزش پیدا کرده است.

۳-۴-۳. توجه به نقش زمان و مکان

امام خمینی (ره) از دیدگاه حکومتی به این مسئله توجه کرده‌اند که می‌توان آن را از جمله ضوابط مصلحت‌اندیشی نظام دانست. براساس نظر ایشان «زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند»^۲ و «قوانین اسلام همیشه با شرایط زمان و مکان قابل تطبیق است»^۳ و به هنگام گشایش مجلس خبرگان جهت تدوین قانون اساسی نکاتی را یادآور شدند از جمله اینکه: «نمایندگان محترم مجلس خبرگان باید همه مساعی خویش را به کار برند تا قانون اساسی جامع و دارای خصوصیات زیر باشد:

الف) حفظ و حمایت حقوق و مصالح تمام قشرهای ملت، دور از تبعیض‌های ناروا،

ب) پیش‌بینی نیازها، منافع نسل‌های آینده، آن‌گونه که مد نظر شارع مقدس در معارف ابدی

اسلام است...»^۴.

بدیهی است که اگر فقیه و یا یک مسئول اجرایی و یا مقننه، نقش زمان و مکان را در نظر نگیرد، نتیجه این می‌شود که اسلام در پیچ و خم‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی بماند و دشمن نیز اسلام را متهم به عدم قدرت بر اداره جهان کند. اینکه ایشان بر دوراندیشی تکیه می‌نمایند، بدین سبب است که چه بسا مصلحتی وجود داشته باشد که در طولانی‌مدت بی‌فایده و یا حتی مضر باشد و لذا مصلحت‌اندیشی باید هم آینده و هم حال را مورد توجه قرار دهد، البته توجه به حفظ و حمایت از حقوق اقشار ملت هم به این معناست که مصلحت‌اندیش نباید مصالح جناحی و حزبی را ببیند، بلکه باید آنچه مهم است و باید مورد توجه قرار گیرد حقوق مردم است.

در مقایسه مصلحت در منظر امام خمینی (ره) با غزالی یک نکته مهم مشخص می‌شود. غزالی در شرایط مصالح مرسله، ضرورت، قطعیت و کلیت (به سود همه بودن) را لازم دانسته است،^۵ اما باید توجه داشت که دستیابی و وصول به این امور در مصلحت نظام امکانپذیر نیست، همانطور که

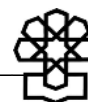
۱. همان، ج ۲۱، ص ۳۳۶.

۲. همان، ص ۲۹۰.

۳. همان، ج ۵، ص ۲۹۴.

۴. همان، ج ۹، ص ۳۱۱.

۵. حسین نجومیان، مبانی قانونگذاری و دادرسی، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۶، ص ۱۴۵.



در بعضی از مصالح مرسله نیز ممکن نخواهد بود، پس باید به سه اصل «ضرورت نسبی»، «اطمینان عقلایی» و «سود اکثریت» بسنده کرد و آن را ملاک عمل و تصمیم‌سازی قرار داد. نسبی دانستن ضرورت، مصلحت را با بستر و موقعیت آن پیوند می‌دهد. چنانچه ضرورت را به معنای لزوم و انفکاک‌ناپذیری در نظر گرفته شود، شناخت ضرورت‌ها براساس موقعیت‌های مختلف اهمیت پیدا می‌نماید. در نتیجه مرجعی برای شناخت این ضرورت‌ها و در پی آن مصلحت مورد نظر لازم می‌شود تا هرچه بیشتر جلوی فرداندیشی گرفته شود.

از این رو امام خمینی (ره) در نحوه تصویب امور در مجمع تشخیص مصلحت، رأی اکثریت و شناخت کارشناسی را ملاک عمل دانسته‌اند.^۱ البته این رأی اکثریت بیانگر این است که تشخیص ضرورت نه می‌تواند اتفاقی و اجماعی باشد و نه می‌توان در آن به قطعیت رسید، زیرا که ممکن است عده‌ای موافق و دیگران مخالف باشند و نمی‌توان منافع همگان را تأمین کرد.

۳-۵. شیوه‌های مصلحت‌یابی در دیدگاه امام (ره)

طبق نظریه امام خمینی (ره)، در حکومت اسلامی مرجع محوری تشخیص مصلحت حاکم (ولی فقیه) است. حال لازم است که دانسته شود این مرجع براساس چه شیوه و مکانیسمی دست به سنجش مصلحت و تشخیص مصالح می‌زند. در یک تقسیم‌بندی می‌توان دو شیوه و روش را برای تشخیص و سنجش مصلحت بیان کرد:^۲

الف) مکانیسم درونی،

ب) مکانیسم بیرونی.

۳-۵-۱. مکانیسم درونی

همانطور که در فصول پیش آمد برای حاکم اسلامی شروط و خصوصیات ذکر شده است. علاوه بر بعد اخلاقی و قوت معنوی حاکم و ولی فقیه دو شرط اساسی را می‌توان برای او در نظر گرفت.

اول: شناخت و آگاهی و تسلط بر مسائل زمان و شرایط حاکم بر فضای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی جامعه و جهان امروز.^۳

دوم: آگاهی به مبانی و اصول دین و احکام شریعت. کنار هم قرار گرفتن این دو عنوان حاکم اسلامی را در جهت حل مسائل و مشکلات به وجود آمده، خصوصاً در تزامنها و ضرورت‌ها یاری می‌رساند و در حقیقت می‌توان آنها را سرمایه و پشتیبان اصلی او در تشخیص مصالح در نظر

۱. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۶۵.

۲. سید محمد ناصر تقوی، حکومت و مصلحت، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۸، صص ۱۸۱-۱۸۲.

۳. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۹۰.

گرفت.

۲-۵-۳. مکانیسم بیرونی

این نوع از مکانیسم را می‌توان به‌عنوان یاری‌رسان حاکم و رهبر جامعه اسلامی در مصلحت‌یابی بهتر و تصمیم‌سازی دقیق‌تر دانست. مکانیسمی که در آن انتخاب مصالح اهم بر مهم مبتنی بر روندی کارشناسانه صورت می‌پذیرد. برای این مکانیسم چند عنوان وجود دارد که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

۱. ایجاد گروه‌های تخصصی و کارشناسی در قالب سازمان‌ها و نهادهای مشخص و معین:

این نهادهای رسمی وظیفه یاری‌رسانی به حاکم را در تشخیص مصالح برعهده دارند و به‌عنوان بازوی قانونی رهبر برای تشخیص مصالح در موارد معین و یا ارجاع داده شده از طرف ایشان عمل می‌کنند. به‌عنوان مثال در مجمع تشخیص مصلحت نظام که از نهادهای یاری‌رسان رهبر می‌باشد، خود از گروه‌های تخصصی معینی همانند گروه‌های نظامی، امنیتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تشکیل شده است. در فصل آینده به آنها خواهیم پرداخت.

۲. مشورت: گرچه مشورت نیز همانند عرف سازنده احکام نمی‌باشد ولی با پیشنهاد

دیدگاه‌های مشورتی در قامت یک کارشناسی غیرنهادینه، رهبر می‌تواند آنها را در بوته شرع و علم و تدبیر قرار داده و در تشخیص ملاک‌های اهم با احاطه بیشتری به تصمیم‌گیری بپردازد. امام خمینی (ره) به‌عنوان رهبری جمهوری اسلامی نیز گرچه در امتداد تاریخ تقیه زیسته است، اما توانسته‌اند با گذار از این دوران به هنجارهای حکومت علوی و نبوی دست یابد و با هنری خاص به هر دو وجه تصمیم‌سازی مبارزاتی و تصمیم‌سازی حکومتی عمل نمایند. ایشان در سخنی در مورد مشورت می‌فرمایند: «مشورت در کارها از دستورات اسلامی است»^۱. البته در سخنان ایشان ما شاهد تذکر به مسئولان کشوری و لشگری در مورد مشورت هستیم و در این مورد به آنها می‌فرمایند: «... تقاضا می‌کنم که با اشخاص صالح آشنا به امور کشور مشورت نمایید، پس از آن ترتیب اثر بدهید، تا خدای نخواستہ لطمه به حیثیت شما، که برگشت به حیثیت جمهوری است، نخورد...»^۲.

ایشان مشورت با مردم را در قالب مشارکت بیان می‌کنند. واقعیت این است که مشورت در دیدگاه ایشان مفهومی مهم و محوری است. سخنان ایشان پُر از واژگانی است که تنها در حیطة مباحث مرتبط با مشارکت معنا می‌یابد. کلمات ایشان به شاخص‌ها و لوازمی برای مشورت اشاره داشته که اندیشه مشارکت را نمایان می‌سازد و ساختاری را در تصمیم‌گیری بنا می‌کنند که

۱. همان، ج ۲۱، ص ۱۱.

۲. همان، ج ۲۰، ص ۱۳۸.



زیرساخت آن را مبانی فلسفی-فقهی ایشان شکل می‌دهد. ایشان در مورد مشارکت مردمی می‌فرمایند: «... همه شما در این امر نظر داشته باشید، در امور سیاسی نظر داشته باشید. برای اینکه امور سیاسی مخصوص یک طبقه نیست، همان طوری که علم مخصوص یک طبقه نیست»^۱ و در جای دیگر می‌فرمایند: «حکومت اسلامی... حکومت ملی است، حکومت مستند به قانون الهی و به آرای ملت هست؛ این طور نیست که با قلداری آمده باشد که بخواهد حفظ کند خودش را، با آرای ملت می‌آید و ملت او را حفظ می‌کند و هر روزی هم که برخلاف آرای ملت عمل بکند یا برخلاف قانون - قانونی که مدون است - عمل بکند قهراً ساقط است...»^۲

استفاده امام (ره) از مفهوم مشارکت در خلأ و به صورت شعاری نبوده، بلکه شعارها و دیدگاه سیاسی ایشان بر مجموعه‌ای از مبانی فقهی و فلسفی تکیه داشته که رگه‌های آن را می‌توان در سخنانشان مشاهده کرد. غایت مفهوم مشارکت در منظر ایشان در پیوند با مفهوم سرنوشت ظاهر می‌شود. آنجا که می‌فرمایند: «هر ملتی باید سرنوشت خودش را خودش معین کند»^۳ و در جای دیگر در مورد انتخابات می‌گویند: «انتخابات سرنوشت یک ملت را دارد تعیین می‌کند. انتخابات بر فرض اینکه سیاسی باشد و هست هم، این دارد سرنوشت همه ملت را تعیین می‌کند، یعنی آحاد ملت سرنوشت زندگیشان در دنیا و آخرت منوط به این انتخابات است»^۴.

سرنوشت در دیدگاه امام خمینی (ره)، ژرف، همه‌جانبه و فراگیر است. نه فقط که به دنیا بلکه به آخرت نیز مربوط می‌شود. مشارکتی که از دل هویت اسلامی جوشیده باشد مسلماً در پی چنین سرنوشتی است و این چنین امام (ره) از یک طرف میان «دخالت همه» و «تعیین سرنوشت» رابطه‌ای گسست‌ناپذیر ایجاد می‌کند و از سوی دیگر سرنوشت دنیا و آخرت را نیز دارای پیوندی گسست‌ناپذیر می‌داند.

در کل ایشان گوهر عقلانیت را که در دل افکار عمومی شکل می‌گیرد سوار بر امواج مشورت کرده و مقصد نهایی را تصمیم‌سازی در نظر می‌گیرند. در این روند ایشان با ایجاد پیوند میان اسلام و نیاز به تکیه^۵ بر مردم بیان می‌دارند که عدالت بدون مردم شکل نمی‌گیرد و قوام این عدالت بر انتقاد و نقدپذیری استوار می‌باشد. امام خمینی (ره) برای تقویت فرایند انتقاد و اظهارنظرهای مختلف به تدارک و پشتیبانی آن در سه محور:

الف) بازگذاشتن باب اجتهاد،^۶

۱. همان، ج ۱۸، ص ۴۰۴.

۲. همان، ج ۵، ص ۲۱۴.

۳. همان، ص ۳۸.

۴. همان، ج ۱۸، ص ۳۶۸.

۵. همان، ج ۱۴، ص ۲۶۸.

۶. همان، ج ۲۱، ص ۱۷۸.

ب) باز گذاشتن باب انتقاد،^۱

ج) بازگذاشتن باب اختلاف و ابراز سلیقه^۲ می‌پردازد. لازم به ذکر است که سه مکانیسم دیگر از دل مشورت بیرون آمده‌اند.

۳. **نصیحت:** از دیگر مکانیسم‌های بیرونی برای مصلحت‌یابی بهتر حاکم اسلامی نصیحت می‌باشد. از وظایفی که برای امت در برابر حاکم بیان شده و حضرت امیرالمؤمنین (ع) در نهج‌البلاغه یکی از حقوق حاکم بر مردم را همین نصیحت می‌دانند.^۳ بر قالب همین نصایح، مصالح مورد نظر جامعه شناخته شده و به حاکم انتقال پیدا می‌کند. امام (ره) در این مورد می‌فرماید: «همه ما محتاج به نصیحت هستیم که در امور اسلامی با روش اسلامی رفتار کنیم و با اخلاق اسلامی با مردم برخورد کنیم».^۴ باید گفت نصیحت در واقع نوعی یادآوری و تذکر خیرخواهانه است که می‌تواند در بخشی از مسائل جامعه یاری‌رسان باشد و رهبر را در شناخت مصالح واقعی یاری نماید.

۴. **امر به معروف و نهی از منکر:** معمولاً امر به معروف و نهی از منکر را به‌عنوان مرحله‌ای پس از نصیحت و دعوت به خیر در نظر می‌گیرند. این تأخر رتبه را بسیاری از قرآن‌پژوهان متأثر از این آیه کریمه می‌دانند که فرموده: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».^۵ بنابراین شاید بتوان نصیحت را مرتبه نازل امر به معروف خواند. البته امر به معروف و نهی از منکر هم از صفات حکومت می‌باشد و هم از صفات امت و امت هم در مقابل حکومت و هم در میان خود موظف و مسئول نسبت به این امر می‌باشند. امام (ره) در مورد این وظیفه می‌فرماید: «سفارش به حق که امر به معروف است و نهی از منکر است بر همه مسلمین واجب است. شما و ما موظفیم که هم در تمام اموری که مربوط به دستگاه‌های اجرایی است امر به معروف کنیم».^۶

وقتی سخن از امر به معروف و یا حتی نصیحت می‌شود، نباید تنها شیوه‌های سنتی و محدود نفر به نفر در نظر باشد، بلکه به مناسبت زمان می‌توان شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم را مورد استفاده قرار داد. از شیوه‌های غیرمستقیم می‌توان به مطبوعات، رسانه‌های گروهی، شبکه‌های اینترنتی و حتی سخنرانی‌ها و جلسات سیاسی و اجتماعی اشاره کرد.

۵. **انتخابات و همه‌پرسی:** از دیگر شیوه‌های مصلحت‌یابی که به‌عنوان یک مکانیسم بیرونی

۱. همان، ج ۱۹، ص ۳۹۹.

۲. همان، ج ۲۱، ص ۴۸.

۳. نهج‌البلاغه، خطبه ۳۴.

۴. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۷۹.

۵. قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۰۴.

۶. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۴۷۱.



می‌توان از آن نام برد، رأی‌گیری از طریق صندوق آرا است. در حقیقت حاکم در مورد برخی از مسائل تشخیص مصلحت را به مردم واگذار کرده و رأی نهایی را از آن مردم می‌داند. فی‌الواقع حاکم جامعه می‌تواند در مورد و یا موارد خاصی براساس احتیاج، جویای دیدگاه مردم شود. امام خمینی (ره) نیز بر این مکانیسم مصلحت‌سنجی صحه گذارده‌اند و می‌فرمایند: «مسئله انتخابات یک امتحان الهی است که گروه‌گرایان را از ضوابط‌گرایان ممتاز می‌کند و مؤمنین و متعهدین را از مدعیان جدا می‌نماید»^۱ و در جای دیگر با تکلیف دانستن شرکت در انتخابات می‌گویند: «...مردم هم خودشان مکلفند به اینکه هم شرکت کنند در انتخابات. نروند کنار، تکلیف است، حفظ اسلام است، رفتن کنار خلاف تکلیف است، خلاف مصالح اسلام است»^۲.

در سخنانی دیگر انتخابات را مؤثر بر دنیا و آخرت مردم دانسته و آن را حق همه مردم ذکر می‌کنند و اهمیت آن را این‌چنین بیان می‌دارند: «انتخابات برای تأثیر سرنوشت شما ملت است... انتخابات سرنوشت یک ملت را دارد تعیین می‌کند... یعنی آحاد ملت سرنوشت زندگیشان در دنیا و آخرت منوط به این انتخابات است. این این‌طور نیست که انتخابات را باید چند تا مجتهد عمل کنند. این معنی دارد که مثلاً یک‌دویست تا مجتهد در قم داشتیم و یک‌صد تا مجتهد در جاهای دیگر داشتیم، اینها همه بیایند انتخاب کنند، دیگر مردم بروند کنار؟!».

۳-۶. حوزه نفوذ و قلمروی مصلحت در دیدگاه امام خمینی (ره)

در حکومت اسلامی که براساس مصلحت‌اندیشی دینی بنا شده است یکی از مسائل مهم، حوزه نفوذ و قلمروی مصلحت می‌باشد. اینکه گستره تأثیر و فراگیری مصلحت تا کجاست و آیا تنها محدود به احکام فرعی می‌شود و یا شامل بدیهی‌ترین اصول عقیدتی، اقتصادی، اخلاقی و احکام ضروری، پرسش‌هایی است که نیازمند به پاسخ به آنها هستیم.

همانطور که دیده شد بی‌تردید اصل مصلحت‌اندیشی در معنای فدا شدن فرع بر اصل و مهم بر اهم و تبدیل یک وظیفه به وظیفه دیگر و شناخت ضرورت‌هاست تا در پی آن گوهر اصلی باقی بماند. در این رهگذر بی‌معناست که اصول اعتقادی، اخلاقی فدای فروع و یا اصول و فروع هر دو فدای مصالح شخصی، گروهی و جنایحی و یا حتی حاکمیت نامشروع گردد. براین‌اساس لازم است با بررسی سخنان امام خمینی (ره) این حوزه نفوذ و قلمروی تأثیرگذاری مشخص شود. در زیر با تکیه بر سخنان و عملکرد ایشان تلاش می‌شود این موضوع را هرچه بیشتر توضیح دهیم.

۱-۳-۶. فرایض دینی و امور عبادی

از مهمترین و اساسی‌ترین مصالح که در منظر امام خمینی (ره) مشاهده می‌شود. انجام به مصلحت

۱. همان، ج ۱۸، ص ۳۲۷.

۲. همان، ص ۲۸۷.

در جهت تعطیلی امور عبادی و فرایض دینی می‌باشد به‌عنوان مثال ایشان در مورد تخریب مساجد می‌فرمایند: «حاکم می‌تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد کند. حاکم می‌تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند و مسجدی که ضرار باشد، در صورتی که رفع بدون تخریب نشود، خراب کند».^۱ و در جایی دیگر در مورد حج می‌فرمایند: «حکومت می‌تواند از حج، که از فرایض مهم الهی است، در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی دانست موقتاً جلوگیری کند».^۲

۲-۶-۳. تعطیلی عقود و قراردادهای داخلی و بین‌المللی

قراردادهای داخلی بین حاکم اسلامی با مردم و قراردادهای بین حکومت اسلامی و دولت‌های خارجی از دیگر مسائلی است که می‌تواند در زمان تشخیص مصلحت تعطیل گشته و یا مورد بازنگری قرار گیرد. حضرت امام خمینی (ره) در مورد لغو یکجانبه قراردادهای توسط حکومت می‌نویسند:

«حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است، در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد، یکجانبه لغو کند»^۳ و در جای دیگر در پاسخ به حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فرمودند: «... آنچه گفته شده است تاکنون و یا گفته می‌شود، ناشی از عدم شناخت ولایت مطلقه الهی است. آنچه گفته شده است که شایع است، مزارعه و مضاربه و امثال آنها را با آن اختیارات از بین خواهد رفت، صریحاً عرض می‌کنم که فرضاً چنین باشد، این از اختیارات حکومت است...»^۴

ایشان در مورد قراردادهای که برخلاف مصالح ملی و مردمی می‌باشد نیز با همین دیدگاه نگرینسته و بیان می‌دارند: «ما برای کلیه قراردادهایی که برخلاف مصلحت ملت ما باشد، ارزشی قائل نیستیم. بله اگر قراردادهایی باشد که انصاف در آن رعایت شده باشد و برای ما فایده هم داشته باشد، آن قراردادهای را تصحیح می‌کنیم»^۵

۳-۶-۳. در حدود و تعزیرات شرعی و حکومتی

ایشان حدود و تعزیرات شرعی و حکومتی را از اختیارات مجمع تشخیص مصلحت می‌دانند و می‌فرمایند:

«تعزیرات از این پس در اختیار مجمع تشخیص مصلحت است که اگر صلاح بداند به هر میزان

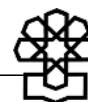
۱. همان، ج ۲۰، ص ۴۵۳.

۲. همان، ص ۴۵۳.

۳. همان، ص ۴۵۳.

۴. همان، ص ۴۵۳.

۵. همان، ج ۵، ص ۱۵۰.



که مایل باشد در اختیار دولت قرار خواهد داد».^۱

در جای دیگر تعزیرات را حق فقها دانسته و در مورد آن می‌فرمایند: «حدود تعزیرات، چه شرعی و چه حکومتی، حق فقهای جامع‌الشرایط است، ولی برای جلوگیری از فساد، لازم است مجمع تشخیص مصلحت، تشخیص مصالح را در اجرا و عدم اجرا داده و به نحوی که مصلحت را تشخیص می‌دهند عمل کنند».^۲

با توجه به این موارد مسائلی چون: منع قاچاق، جلوگیری از ورود و خروج ارز، گمرک و مالیات، تخلفات رانندگی، قوانین شهرداری، خیابان‌کشی، جلوگیری از تخریب جنگل‌ها، ممنوعیت حمل اسلحه، نظام وظیفه، اعزام به جبهه، ممنوعیت اعتیاد و پخش مواد مخدر، ثبت احوال و ثبت اسناد و جز آنها همگی می‌تواند مشمول تعزیرات گردد.^۳ در کل ایشان بر این باورند که: «تمام حدود الهی برای مصلحت جامعه است. اگر آن آدمی که فلان کار را می‌کند و در شرع برایش فلان جزا را قرار داده‌اند، اگر این جزا نباشد امثالش زیاد می‌شود».^۴

۴-۶-۳. در بُعد اجتماعی و محدود کردن حقوق فردی و گروهی

امام خمینی (ره) در قالب یک فتوای فقهی می‌فرمایند: «در مورد طلاق زنی که زندگیش به عسر و حرج کشیده شده و نصیحت نیز بی‌فایده است، ولی فقیه می‌تواند طبق مصلحت اقدام کند».^۵

در جای دیگر در مورد محدود کردن حقوق فردی می‌گویند: «باید توجه به این معنا بکند که مسئله، مسئله فرد نیست، مسئله اسلام است و نظام اسلامی و ما مکلفیم این نظام را حفظ کنیم... لکن اگر چنانچه یک وقتی اقتضا بکند مصلحت اسلام، یک وقت انسان ببیند که می‌خواهد یک کسی اسلام را تضعیف کند و لو نمی‌فهمد خودش یا خدای نخواستگانه از روی فهم - که بعضی نادر هست الان که از روی ادراک می‌خواهند لطمه بزنند و شناسایی هم ممکن است شده باشند - لکن توجه کنند که اگر یک وقت یک همچو چیزی پیش بیاید آن وقت یک وضع دیگری پیش می‌آید. این جور نیست که همه‌اش قضیه نصیحت باشد و ملایمت باشد».^۶

محدود کردن حقوق در راستای مصلحت در دیدگاه امام (ره) به مسائل فردی ختم نشده و حقوق جمعی مثل تشکیل احزاب و گروه‌ها را نیز دربر می‌گیرد. ایشان انحلال حزب جمهوری اسلامی را در همین راستا می‌دانند.

۱. همان، ج ۲۱، ص ۱۲۴.

۲. همان، ص ۱۱۹.

۳. همان، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۶۲۶.

۴. همان، صحیفه امام، ج ۷، صص ۳۱۳-۳۱۴.

۵. همان، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۶۲۶.

۶. همان، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۲۹.

«لذا، همان‌طور که قبلاً نیز کراراً عرض شد، شورای مرکزی پس از بحث و بررسی مبسوط و مستوفی با اکثریت قاطع به این نتیجه رسید که مصلحت کنونی انقلاب در آن است که «حزب جمهوری اسلامی» تعطیل و فعالیت‌های آن به‌کلی متوقف گردد».^۱

۳-۶-۵. مسائل اقتصادی

در سخنان امام خمینی (ره) آمده است: «مالکیت را در عین حال که شارع مقدس، محترم شمرده است، لکن ولی امر می‌تواند همین مالکیت محدودی که ببیند خلاف صلاح مسلمین و اسلام است، همین مالکیت مشروع را محدودش کند به یک حد معینی و با حکم فقیه از او مصادره بشود».^۲

ایشان در مورد وضع مالیات‌ها و همچنین محل خرج آن نیز بارها تذکر داده‌اند که باید براساس مصالح صورت گیرد: «این کار مستلزم تشکیلات منظم و حساب و کتاب و تدبیر و مصلحت‌اندیشی است و با هرج و مرج انجام‌شدنی نیست. این به عهده متصدیان حکومت اسلامی است که چنین مالیات‌هایی را به اندازه و به تناسب و طبق مصلحت تعیین کرده، سپس جمع‌آوری کنند و به مصرف مصالح مسلمین برسانند».^۳

و در خصوص ورود کالا و خروج ارز مرقوم داشته‌اند که: «لکن دولت نظارت کند در اینکه یک کالاهایی که برخلاف مصلحت جمهوری اسلامی است، برخلاف شرع است، آنها را نیاورند. این نظارت است»^۴ و «هم اخراج ارز و هم اعانت بر آن - از جمله فروش به اشخاصی که اخراج می‌کنند - حرام است و لازم است مسلمانان پایبند به مصالح اسلام و مسلمین از اعمالی که مخالف مصلحت کشور است، اجتناب کنند».^۵

ایشان در مورد موافقتنامه‌ها و معاملات بین‌المللی و پیوندهای تجاری دیدگاهی مصلحت‌گرایانه داشته و معیار اصلی را مصالح مسلمین می‌دانند و در این مورد می‌فرمایند: «ما با هر نوع معامله‌ای که مصالح مسلمین را آسیب رساند مخالفیم. پیوندهای تجاری و دیگر مبادلات، مادام که به مصلحت ملت ما باشد برای ما مورد قبول است. در عین حال دولت مسئول امضای چنان موافقتنامه‌هایی است ...».^۶

۳-۶-۶. مسائل سیاسی امنیتی

اینکه جلوگیری از حمل اسلحه جزء احکام حکومتی و سلطانی است، بی‌شک کشف آن و جلوگیری

۱. همان، ص ۲۷۷.

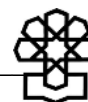
۲. همان، ج ۱۰، ص ۴۸۲.

۳. همان، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، ص ۳۴.

۴. همان، ج ۱۹، ص ۳۶.

۵. همان، ج ۱۲، ص ۱۶۶.

۶. همان، ص ۳۷.



از توطئه‌های برخاسته از آن و هر عمل مجرمانه دیگر که محل به امنیت کشور است، نیز در صدر وظایف حکومت قرار دارد و باید نسبت به آن اقدام کرد در کشف مواد مخدر، خانه‌های تیمی، ایست و بازرسی، تفتیش اثاثیه و... نمود پیدا می‌کند. ایشان در مورد این مسائل می‌فرمایند: «جلوگیری از پخش مواد مخدر، و منع اعتیاد به هر نحو غیر از مشروبات الکلی، حمل اسلحه به هر نوع که باشد و صدها امثال آن، که از اختیارات دولت است».^۱

در بعد تأمین امنیت ملی در مقابل با تجاوزات و تهدیدات خارجی و آغاز و پایان جنگ نیز ایشان معیار اصلی را مصلحت دانسته و امر به پایان جنگ را از روی حفظ مصالح دانسته‌اند: «در شرایط کنونی آنچه موجب امر شد تکلیف الهی‌ام بود. شما می‌دانید که من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره خون و آخرین نفس بجنگم، اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود...».^۲

در بعد امنیت داخلی و نیازهای نظارتی بر ادارات و دستگاه‌های دولتی نیز می‌فرمایند: «روابط ناسالمی را که به ضرر ملت است اصلاح خواهیم کرد. ادارات را هم، آن طور که مصلحت ملت و مملکت است، تصفیه می‌نمایم. دست دیگران را از ایران کوتاه خواهیم نمود».^۳ در کل ایشان قانون قصاص را تأمین‌کننده مصلحت و امنیت کشور دانسته و آن را ضروری اعلام می‌دارند: «قصاص، این قانون واضح اسلام، این قانون ضروری اسلام، این قانونی که قرآن به آن تصریح کرده است، این قانونی که مصلحت و امنیت کشور را تأمین می‌کند...».^۴

۷-۶-۳. مسائل فرهنگی

عرصه فرهنگی نیز از دیگر عرصه‌های است که در آن بحث مصلحت طرح و بحث می‌شود و حکومت اسلامی در اینجا نیز حق وضع احکام و مقررات را براساس مصالح دارد. «حق طبع و نشر، بدین معنی که کتابی را که کسی چاپ کرده و نشر نموده دیگری حق. نداشته باشد با به‌دست آوردن یک نسخه از آن، آن را تجدید چاپ و نشر نماید، شرعی نیست؛ ولی اگر دولت اسلامی مصلحت دید [و] مقرراتی در این باره وضع نمود مراعات آن لازم است».^۵

ایشان در مورد رادیو و تلویزیون به‌عنوان ابزارهای فرهنگی می‌فرمایند: «باید رادیو-تلویزیون مربی جوان‌های ما، مربی مردم کشور باشد، نه اینکه مطالبی در او گفته شود که مخالف با وضعیت کشور است، مخالف با مصلحت کشور است و جوان‌های ما را جوری بار می‌آورند که برای خودشان نباشند، برای دیگران باشند»^۶ امام (ره) برخورد با انحرافات فرهنگی را وظیفه حکومت

۱. همان، ج ۲۰، ص ۵۳.

۲. همان، ج ۲۱، ص ۹۶.

۳. همان، ج ۵، ص ۲۲۵.

۴. همان، ج ۱۴، ص ۴۵۹.

۵. همان، ج ۱۷، ص ۸۸.

۶. همان، ج ۱۲، ص ۳۲۶.

دانسته و دخالت افراد غیرمسئول را رد می‌کنند.

«مردم به هیچ‌وجه حق ندارند به کتابفروشی‌ها تعرض نمایند در صورتی که دادستان شهرستان‌ها نشریاتی را مضر انقلاب و مصلحت کشور تشخیص دادند موظف به جلوگیری هستند. اشخاص غیرمسئول از دخالت در این امور جداً خودداری کنند و الاً مؤاخذه می‌شوند»^۱

در یک جمع‌بندی می‌توان نتیجه گرفت که: احکام اولی را به سبب مصالح اسلامی و عمومی در حوزه مسائل عبادی، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، سیاسی و فرهنگی می‌توان تغییر داد، اما مسائل اعتقادی، اخلاقی و عبادی که تزامنی با مصالح عمومی ندارد از خصیصه ثبات و همیشگی برخوردار است و قابل تغییر نیست، مگر آنکه با مصلحت مهمتر در بُعد فردی یا اجتماعی در تزامن باشد مانند اینکه فردی در اجرای احکام فردی و یا اظهار التزام به اصول اعتقادی و یا عمل به اصول اخلاقی مورد تهدید، اکراه، اجبار و اضرار قرار گیرد. لکن تشخیص این امر برعهده ولی فقیه یا مجمع تشخیص مصلحت نیست، بلکه مسئله‌ای است فردی و از مدار حکومت خارج است.

فصل چهارم - مصلحت در عمل سیاسی امام خمینی (ره)

۴-۱. مطالعه تحولات تاریخی تشکیل مجمع تشخیص مصلحت

مجمع تشخیص مصلحت نظام را می‌توان به‌عنوان تجلی سازمانی بحث «مصلحت و حکومت» در دیدگاه امام خمینی (ره) دانست. این نهاد به‌عنوان نهاد ناظر به «مصالح عامه» در درون الگوی شیعی در دل یک جریان طبیعی مبتنی بر آموزه‌های ولایت فقیه شکل گرفت. در این فصل سعی می‌شود فلسفه وجودی و عملکرد این نهاد تأسیس شده را براساس اصل مصلحت در سطح حکومتی مورد تبیین دقیق قرار دهیم و مشخص سازیم که چگونه اصل مصلحت در چارچوب حکومت اسلامی توسط امام (ره) تعریف و بنیاد گذارده شد.

در اصل، اتصال این مفهوم به حوزه اختیارات حکومتی ولی فقیه در حوزه عمل، دلالت بر آن دارد که جریان مصلحت‌اندیشی و در پی آن تصمیم‌سازی که در درون حوزه شریعت معنا یافته، امری عرفی تلقی نمی‌شود. براین‌اساس مجمع چند دوره تاریخی را پشت سر گذاشته که با بررسی آنها می‌توان به معنا و مدلول مفهوم مصلحت از زاویه عمل سیاسی مطابق روایت شیعی آن پی برد.

۴-۲. مبانی نظری

فقه سیاسی شیعه به سبب شرایط سیاسی مدت طولانی از عرصه اجرایی و حکومت‌داری به دور مانده است. به همین دلیل بسیاری از موضوعات از جمله مصلحت تنها در فضای ذهنی و نظری فقها



مطرح شده و فارغ از نیازهای عرصه عمل و اجرا مورد توجه بوده است. با تشکیل نظام جمهوری اسلامی یک عرصه فکری - اجرایی شکل می‌گیرد که نتیجه آن طرح یک پرسش اساسی در حوزه نظریه‌پردازی به وجود می‌آورد که ریشه در دوران قبل از انقلاب اسلامی دارد. این پرسش مبتنی بر همان تضاد میان «مصلحت شرعی» و «مصلحت عمومی» است که چه رابطه‌ای میان این دو مصلحت وجود دارد و نظر امام (ره) در این مورد چیست؟ در این ارتباط دو دیدگاه عمده را می‌توان میان اندیشمندیانی که قائل به عرفی شدن دین نبودند، شناسایی کرد.

اول: گروهی که اولویت را بر مصلحت می‌دادند. در این دیدگاه اهمیت حفظ نظام به‌عنوان مهمترین امر واجب موجب می‌گردد که ولایت فقیه و حکومت اسلامی سیاستی را اتخاذ کند که منافع عامه را حفظ کند. حضرت امام (ره) در جریان قانون اراضی شهری به این نکته اشاره کردند و در پاسخ نامه رئیس مجلس می‌نویسند:

«آنچه در حفظ نظام جمهوری اسلامی دخالت دارد که فعل یا ترک آن موجب اختلال نظام می‌شود و آنچه ضرورت دارد که ترک آن یا فعل آن مستلزم فساد است و آنچه فعل یا ترک آن مستلزم حَرَج است پس از تشخیص موضوع به وسیله اکثریت وکلای مجلس شورای اسلامی، با تصریح به موقت بودن آن مادام که موضوع محقق است و پس از رفع موضوع خود به خود لغو می‌شود، مجازند در تصویب و اجرای آن و باید تصریح شود که هریک از متصدیان اجرا از حدود مقرر تجاوز کرد مجرم شناخته می‌شود و تعقیب قانونی و تعزیر شرعی می‌شود»^۱.

همانطور که از این سخنان بر می‌آید امام (ره) از مصلحت تعریفی عام و حکومتی دارد که حکومت اسلامی را در تأمین منافع عامه یاری می‌رساند.

دوم: دیدگاه اولویت بر احکام دلالت دارد. طبق این نظر مصلحت به‌عنوان عاملی برای صدور حکم، ورای احکام شرعی مطرح نیست، بلکه دقیقاً از ناحیه اجرای همان احکام و در چارچوب آن معنا و مفهوم می‌یابد و لذا مصلحت به هیچ‌وجه در وضع قوانین و تصمیم‌سازی‌های سیاسی دارای اولویت بر احکام شرعی نیست. این دیدگاه در نقطه مقابل دیدگاه امام (ره) قرار دارد. موضع‌گیری ایشان در نفی این نظر حکایت از این دارد که مصلحت در حکومت نقشی بیش از آنچه در این تفسیر آمده، ایفا می‌کند. ایشان در موضع‌گیری بیان می‌کنند:

«تعبیر به آنکه این جانب گفته‌ام حکومت در چارچوب احکام الهی دارای اختیار است به‌کلی برخلاف گفته‌های این جانب بود. اگر اختیارات حکومت در چارچوب احکام فرعی الهیه است، باید عرض حکومت الهیه و ولایت مطلقه مفضّله به نبی اسلام - صلی اللّٰه علیّه و آله و سلم - یک پدیده بی‌معنا و محتوا باشد... باید عرض کنم حکومت، که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول اللّٰه - صلی اللّٰه

علیه و آله و سلم- است، یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعی، حتی نماز و روزه و حج است... حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است، در مواقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد، یکجانبه لغو کند و می‌تواند هر امری را، چه عبادی و یا غیرعبادی است که جریان آن مخالف مصالح اسلام است، از آن مادامی که چنین است جلوگیری کند. حکومت می‌تواند از حج، که از فرایض مهم الهی است، در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی دانست موقتاً جلوگیری کند.^۱

تصریح کلام امام (ره) و اقدام عملی ایشان در رابطه با حج حکایت از آن دارد که اولویت مصلحت از ناحیه معنا و محتوای نظریه ولایت فقیه، امری مقبول و پذیرفته شده در چارچوب اسلام است.

۳-۴. سیر تحولات تاریخی

زمان پایه‌گذاری مجمع تشخیص مصلحت نظام از دو حیث قابل بررسی است:

الف) از حیث تأسیس آن به فرمان حضرت امام (ره) به لحاظ حکومتی و ولایتی،

ب) از حیث رسمیت یافتن مجمع به لحاظ قانونی.

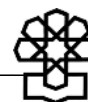
پایه‌گذاری مجمع براساس حکم حضرت امام (ره) در تاریخ ۱۳۶۶/۱۱/۱۷ هـ. ش شکل گرفت و آغاز به کار کرد، لذا مشروعیت خود را از ولایت فقیه می‌گیرد. جنبه دیگر آن به بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ هـ. ش باز می‌گردد که مجمع علاوه بر مشروعیت از ناحیه ولی فقیه، مشروعیت قانونی نیز پیدا می‌کند؛ اما قبل از تأسیس مجمع توسط ایشان و رسمیت یافتن قانون اساسی، تحولاتی در جامعه اسلامی رخ داد که زمینه‌ساز تشکیل این نهاد شد. در این بخش به چند نمونه تاریخی که منجر به طرح عملی مصلحت در عمل سیاسی امام (ره) شد، می‌پردازیم.

۱-۳-۴. قانون اراضی شهری

یکی از مواردی که در ایجاد تعارض میان دو رکن قانونگذاری (مجلس و شورای نگهبان) نقش مؤثری داشت و در نهایت زمینه‌ای را برای شکل‌گیری مجمع به وجود آورد قانون اراضی شهری بود که مجلس آن را در ۲۹ مرداد ۱۳۶۰ تصویب نمود و در بخشی از آن تصریح داشت: «مالکان اراضی بایر و دایر شهری موظفند زمین‌های مورد نیاز دولت را با تقویم دولت به آنها بفروشند».^۲ اما مطابق دیدگاه شورای نگهبان، مواد (۷) و (۸) و (۱۰) مربوط به این قانون دارای اشکالاتی است

۱. همان، ج ۲۰، ص ۴۵۲-۴۵۳.

۲. به نقل از: محمد صادق شریعتی، بررسی فقهی و حقوقی مجمع تشخیص مصلحت نظام، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰، ص ۱۲۵.



و مغایر با آیه «لا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ»^۱ و محتوای حدیث شریف «مال مسلمانی بر دیگری حرام است، مگر آنکه با رضایت، خودش واگذار کرده باشد» می‌باشد. لذا نمی‌توانست تأیید شرعی بگیرد و مطابق با مصالح حقیقی مورد نظر دین ارزیابی شود. نظر شورای نگهبان برای نمایندگان مجلس قانع‌کننده نبود به همین دلیل طی نامه‌ای به حضرت امام خمینی (ره) درخواست ارشاد کردند. امام (ره) نیز در تعارض بین این دو مصلحت به دلیل شرایط ویژه جامعه اسلامی در آن مقطع تاریخی، جانب رأی مجلس را گرفتند و آن را از آن حیث که ناظر بر مصالح جامعه اسلامی است، حتی اگر با پاره‌ای از احکام الهی تعارض داشته باشد، مورد تأیید قرار می‌دهند و در این مورد می‌فرمایند: «آنچه در حفظ نظام جمهوری اسلامی دخالت دارد که فعل یا ترک آن موجب اختلال نظام می‌شود و آنچه ضرورت دارد که ترک آن یا فعل آن مستلزم فساد است و آنچه فعل یا ترک آن مستلزم حَرَج است پس از تشخیص موضوع به وسیله اکثریت وکلای مجلس شورای اسلامی... مجازند در تصویب و اجرای آن...»^۲.

پس از این سخن امام (ره) این قانون طی چند مرحله تصویب می‌شود. در اینجا مشاهده می‌کنیم مکانیسمی که مورد استفاده امام (ره) برای کشف این مصلحت بود، نخست مبتنی بر رأی نمایندگان بود و بعد از آن در ۴ بهمن ۱۳۶۱ آن را تصحیح نمودند و به‌جای اکثریت، رأی نمایندگان را ضروری دانستند.

۲-۳-۴. لایحه قانون کار

در تنظیم لایحه کار و در پیش‌نویس آن، برای اعمال شرایط قانون کار از سوی کارفرمایان بخش خصوصی پیش‌بینی شده بود که کارفرمایان بخش خصوصی، دو ماه پس از تصویب قانون با مراجعه به وزارت کار و امور اجتماعی تعهد نمایند که مفاد قانون کار و آیین‌نامه‌های اجرایی آن را رعایت خواهند کرد تا در مقابل این تعهد دولت نیز استفاده از امکانات دولتی از قبیل آب، برق، گاز، تلفن، بنادر و فرودگاه‌ها را برای آنان مجاز اعلام نماید، اما با آنکه استفاده از روش شرط ضمن عقد، اشکال مغایرت برقراری مقررات امری در زمینه روابط کار را با احکام اولیه حل می‌کند،^۳ ولی دولت در تقدیم لایحه به مجلس دچار تردید بود. اما بعد از ارائه آن در آذرماه ۱۳۶۶ وزیر کار و امور اجتماعی طی نامه‌ای از امام (ره) در مورد امکان مقرر نمودن شروط الزامی برای واحدهای تجاری که از خدمات دولتی استفاده می‌کنند کسب تکلیف می‌فرمایند. امام (ره) نیز در تاریخ ۱۳۶۶/۹/۱۶ در پاسخ به این نامه می‌فرمایند: «در هر دو صورت چه گذشته و چه حال، دولت

۱. قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۲۹.

۲. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۹۸.

۳. ر.ک. مجموعه قوانین سال ۱۳۶۲، ص ۱۹۴.

می‌تواند شروط الزامی را مقرر نماید»^۱.

شورای نگهبان سه روز پس از صدور جوابیه حضرت امام (ره) بدون توجه به آن، ایرادات مفصلی را بر لایحه مذکور وارد دانستند. براساس این اظهارات که بیانگر استمرار فکر قراردادی قلمداد نمودن رابطه کارگر با کارفرما در بین اعضای شورای نگهبان می‌باشد، مواد مختلف این قانون که متضمن الزام کارفرما به اجرای آن بود، مورد ایراد قرار گرفت و به طور ضمنی راه‌حل پیش‌بینی شده در ماده اول این قانون را نپذیرفتند. حضرت امام (ره) نیز در پاسخ به این ایرادات فرمودند: «دولت می‌تواند در تمام مواردی که مردم استفاده از امکانات و خدمات دولتی می‌کنند با شروط اسلامی و حتی بدون شرط، قیمت مورد استفاده را از آنان بگیرد و این جاری است در جمیع مواردی که تحت سلطه حکومت است...»^۲.

دقت در پاسخ حضرت امام (ره) نمایانگر آن است که معظم له درصدد بر نیامدند تا با استفاده از شرط ضمن عقد که راه‌حل متداولی در حقوق خصوصی می‌باشد، گره کار را بگشایند؛ بلکه با اشاره به اختیارات حکومتی که می‌تواند الزام‌آور باشد، به حل مشکل پرداختند. ایشان طی نامه‌ای دیگر در مقابل محدود شدن اختیارات مردم و از بین رفتن بعضی نظامات مانند اجاره که مورد انتقاد شورای نگهبان بود با صراحت فرمودند: «آنچه گفته شده است تاکنون و یا گفته می‌شود، ناشی از عدم شناخت ولایت مطلقه الهی است. آنچه گفته شده است که شایع است، مزارعه و مضاربه و امثال آنها را با آن اختیارات از بین خواهد رفت، صریحاً عرض می‌کنم که فرضاً چنین باشد، این از اختیارات حکومت است و بالاتر از آن هم مسائلی است، که مزاحمت نمی‌کنم»^۳.

این موضوع، بحث و تفسیرهای مختلفی را در جامعه ایجاد کرد که باعث شد امام (ره) با صراحت بیشتری اعلام نمایند: «باید عرض کنم حکومت، که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول‌الله - صلی‌الله‌علیه و آله و سلم - است، یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعی، حتی نماز و روزه و حج است... حکومت می‌تواند... هر امری را، چه عبادی و یا غیرعبادی است که جریان آن مخالف مصالح اسلام است، از آن مادامی که چنین است جلوگیری کند... آنچه گفته شده است تاکنون و یا گفته می‌شود، ناشی از عدم شناخت ولایت مطلقه الهی است»^۴.

در این نامه، ایشان افق جدیدی را بر روی کسانی که تا آن زمان حدود اختیارات حکومت را در چارچوب رفع ضرورت، اضطرار، عسر و حرج می‌دانستند گشودند و مصلحت در عمل این چنین شکل واقعی به خود گرفت.

۱. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۳۱.

۲. همان، ج ۲۰، ص ۴۳۶.

۳. همان، ص ۴۵۳.

۴. همان، ص ۴۵۳.



فصل پنجم - تبیین راهکارها و الگوهای مصلحت در دیدگاه امام خمینی (ره)^۱

شناخت الگوهای مصلحت و تبیین دقیق راهکارهای متناسب با آن برای اداره جامعه‌ای که براساس مصالح دینی و ملی بنا شده است، دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. این شناخت موجب می‌گردد تا مسئولان اجرایی، تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیرندگان و افرادی که در عرصه قانونگذاری کشور قرار دارند، در چارچوب تعریف شده و معینی عمل کرده و در قالب روش منطقی و سازمان‌یافته به امور مربوطه بپردازند و از حد وظایف خویش فراتر نرفته و یا عدول نکنند. اکنون که بحث «تئوریک مصلحت» در دیدگاه بنیانگذار جمهوری اسلامی و نیز مصلحت در عرصه عمل در بخش مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح گردید، ارائه الگوهای مصلحت و راهکارهای آن می‌تواند نگرانی‌های موجود در مورد حدود اختیارات مجمع و حوزه قانونگذاری مجلس و دیگر نهادهای دخیل در این عرصه را مرتفع سازد.

با تبیین این الگوها و راهکارها از منابع اسلامی و اندیشه حضرت امام خمینی (ره)، قواعد و کلیات مصالح مشخص می‌شود و نهادهای مسئول در روند قانونگذاری می‌توانند با تکیه و استناد بر آنها، با ارائه نظر شرع بر جزئیات، نگرانی‌هایی که از انحراف از مکتب و خلاف شرع بودن تصمیمات دارند را برطرف سازند. این کلیات و الگوها علاوه بر اینکه می‌توانند در عرصه اجرا به‌عنوان شاخصی عمل کنند، می‌توانند مسئولان ذیربط را در تزامن بین مصالح و تشخیص اهم و مهم و دفع افسد به فاسد و اخذ تصمیمات درست یاری نماید.

چنانچه نظام جمهوری اسلامی ایران را در جهت این‌گوسازی مانند یک کل و یک نظام دولت - ملت در نظر بگیریم، در این ساختار می‌توانیم مجموعه‌ای از تعاملات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی را شناسایی نماییم که در بستر مجموعه‌ای از کنش‌های متقابل نهادهای مختلف، یک سهمیه‌بندی برحسب قدرت معتبر که از طریق آن ارزش‌ها، خدمات و کالا برای همه بخش‌های جامعه در نظر گرفته می‌شود، صورت می‌پذیرد. بدین ترتیب در هر جامعه و حکومتی از جمله جمهوری اسلامی ایران دستگاه‌هایی وجود دارند که براساس تصمیمات لازم‌الاجرا، ارزش‌های گوناگون را میان افراد و گروه‌های مختلف تعیین می‌کنند. این ارزش‌ها ممکن است امنیت، آزادی، احترام، مشارکت، رفاه، درآمد، برابری قانونی، خودکفایی، استقلال و یا نفی نفاق باشد. مبتنی بر این دیدگاه در اینجا با انطباق الگوها بر تعاملات موجود در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی،

۱. تذکر: تبیین این الگوها با الهام از کتاب آقای محمد صادق شریعتی، بررسی فقهی و حقوقی مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد و در اینجا تلاش شده است آن را با دیدگاه امام خمینی (ره) منطبق سازیم.

فرهنگی و حقوقی تلاش می‌شود که در هر کدام از این عرصه‌ها الگوهای عملی را در شرع و دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) بازشناسی نماییم.

البته این امر در قانونگذاری و قانون اساسی کشور نیز مورد توجه ویژه بوده است. در اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد وظایف دولت بحث شده و این وظایف عبارتند از:

۱. ایجاد محیط مساعد برای بالا بردن فضایل اخلاقی،

۲. بالا بردن سطح آگاهی عمومی،

۳. آموزش و پرورش،

۴. تقویت روح تبعیض،

۵. طرد کامل استعمار،

۶. محو استبداد،

۷. تأمین آزادی،

۸. مشارکت عامه،

۹. رفع تبعیض،

۱۰. ایجاد نظام اداری،

۱۱. تقویت بنیه دفاعی،

۱۲. پی‌ریزی اقتصاد صحیح،

۱۳. تأمین خودکفایی،

۱۴. حقوق همه جانبه افراد،

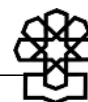
۱۵. توسعه و تحکیم برادری اسلامی،

۱۶. تنظیم سیاست خارجی با معیار اسلامی.»

ریشه‌یابی این وظایف دولت در دیدگاه امام (ره) و تطبیق آن با الگوهای پنجگانه مذکور می‌تواند شاخصه‌های مورد نظر را برای شناسایی ضرورت‌ها و مصلحت‌ها در اختیار ما قرار دهد. به‌عنوان مثال چنانچه در بحث الگوهای سیاسی اثبات شود که امنیت از لوازم لاینفک قدرت سیاسی کشور است، در صورت تزامم میان حفظ امنیت ملی و مراعات آزادی اقتصادی در برخی از کالاها مثل تجارت مواد مخدر، قهراً امنیت ملی شرعاً بر آزادی اقتصادی مذکور مقدم می‌باشد، پس قانونی که در این راستا وضع می‌شود مبین مصداق اصلح است.

۱-۵. الگوهای فرهنگی

دین اسلام به اخلاق و فرهنگ جامعه اهمیت زیادی داده است تا حدودی که رسول اکرم (ص) هدف



بعثت خویش را به کمال رساندن اخلاق مردم می‌دانند و امام خمینی (ره) در مورد فرهنگ می‌فرماید: «راه اصلاح یک مملکتی فرهنگ آن مملکت است؛ اصلاح باید از فرهنگ شروع بشود. دست استعمار توی فرهنگ ما کارهای بزرگ می‌کند، نمی‌گذارد جوان‌های ما مستقل بار بیایند... اگر فرهنگ درست بشود، یک مملکت اصلاح می‌شود. برای اینکه از فرهنگ است که در وزارتخانه‌ها می‌رود؛ از فرهنگ است که در مجلس می‌رود؛ از فرهنگ است که کارمند درست می‌شود...»^۱

۱-۱-۵. مبارزه با فساد اجتماعی

مبارزه با فساد یکی از تلاش‌های برجسته امام خمینی (ره) بوده که در جاهای مختلفی به آن اشاره کرده است.

به باور امام خمینی (ره) «در اسلام، تمام آثار تجدد و تمدن در اسلام مجاز است مگر آنهایی که فساد اخلاق بیاورند، فساد عفت بیاورند. اسلام آن چیزهایی را که مخالف با مصالح ملت بوده است، آنها را نفی کرده. آنهایی که موافق با مصالح ملت است، آنها را اثبات کرده است»^۲ در جایی دیگر می‌فرماید: «حدود تعزیرات، چه شرعی و چه حکومتی، حق فقهای جامع‌الشرایط است؛ ولی برای جلوگیری از فساد، لازم است مجمع تشخیص مصلحت، تشخیص مصالح را در اجرا و عدم اجرا داده و به نحوی که مصلحت را تشخیص می‌دهند عمل کنند»^۳.

۲-۱-۵. نفی نفاق و دورویی در جامعه

صداقت یکی از شاخص‌های مهم جامعه سالم و مترقی است. در مقابل نفاق و دورویی جامعه را فاسد کرده و به خاطر ظاهر کاذب و دروغین موجب می‌شود تا درک درستی از امکانات و توانایی‌های جامعه و نقاط ضعف و قوت آن حاصل نشود. غلط‌اندازی و ظاهرسازی موجب می‌شود که اعتماد، در جامعه از بین برود و روابط براساس فریب و نیرنگ شکل بگیرد. دولت اسلامی باید با عملی کردن وعده‌های خود در این راستا گام برداشته و مصلحت مقطعی را فدای سلامت جامعه نسازد.

امام خمینی (ره) در این مورد می‌فرماید: «تذکر را لازم می‌دانم که بدهم. تمام اموری که از او بوی نفاق و بوی اختلاف می‌آید باید کنار گذاشت»^۴ و در جایی دیگر می‌گویند: «این جانب تمام گرفتاری‌ها و بدبختی‌های مسلمین و دولت‌های کشورهای اسلامی را در اختلاف و نفاق بین آنان می‌دانم»^۵. «من از همه ارگان‌های دولتی و ملی و همه گروه‌ها می‌خواهم که از گروه‌گرایی و دسته‌بندی و فرصت‌طلبی و

۱. همان، ج ۱، ص ۳۹۱.

۲. همان، ج ۵، ص ۲۶۳.

۳. همان، ج ۲۱، ص ۱۱۹.

۴. همان، ج ۱۵، ص ۳۷۰.

۵. همان، ص ۲۹۱.

هواهای نفسانی احتراز کنند و خود را در راه خدمت به ملت و خلق مستضعف قرار دهند و از راهی که ملت می‌رود منحرف نشوند و خداوند عالم را حاضر و ناظر ببینند و از اختلاف و نفاق دست بردارند و مصالح کشور را بر مصلحت خویش مقدم دارند و درصدد تضعیف یکدیگر برنیایند و با ملت رزمنده به پیش روند که خدا با آنان است و پیروزی نهایی نصیب آنان است.^۱

۲-۵. الگوی‌های سیاسی

سیاست در معنای اداره جامعه باید همواره براساس اصول، ضوابط و قوانین هماهنگ و مشخص پایه‌گذاری شود. بر همین اساس عملکرد سیاسی و تدوین قوانین و برنامه‌های مربوط به سیاست اداره جامعه، باید از شاخص‌های مشخص الگو برداری شد. براساس فصول پیشین که دیدگاه امام (ره) در مورد مصلحت مورد بررسی قرار گیرد به الگوهایی اشاره خواهد شد که مصالح کلان جامعه را تأمین نمایند که عبارتند از:

۱-۲-۵. حفظ نظام

حضرت امام خمینی (ره) بر این باورند که حفظ نظام «جزء فرایضی است که هیچ فریضه‌ای بالاتر از آن نیست؛ حفظ اسلام است»^۲ و همانطور که گفته شد حفظ نظام از ادله ضرورت تشکیل حکومت بوده و در منابع شرعی بر اهمیت آن نزد شارع تأکید بسیار شده است. امام (ره) در کتاب ولایت فقیه خویش این مسئله را چنین بیان می‌کنند: «تشکیل حکومت برای حفظ نظام و وحدت مسلمین است؛ چنان‌که حضرت زهرا (س)، در خطبه خود می‌فرماید که امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمین به اتحاد است».^۳ ایشان در زمان تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام به حکمت و علت توجه مصلحت نظام اشاره کرده و سرنوشت اسلام را با سرنوشت نظام پیوند می‌زنند و در مورد اهمیت آن می‌فرمایند: «مسئله حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر و با وضعی که در دنیا مشاهده می‌شود... از اهمّ واجبات عقلی و شرعی است که هیچ چیز به آن مزاحمت نمی‌کند و از اموری است که احتمال خلل در آن عقلاً منجز است».

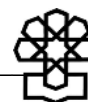
۲-۲-۵. امنیت داخلی و خارجی

امنیت به معنای مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت می‌باشد که در دو قسم فردی و ملی تقسیم می‌شود. امنیت فردی بدان معناست که فرد نسبت به حقوق و آزادی‌های خویش بیم و هراسی نداشته باشد. در نتیجه امنیت دارای ارتباط نزدیکی با عملکرد حکومت دارد. امام (ره) در این مورد می‌فرمایند: «مسلمانان هنگامی می‌توانند در امنیت و آسایش به سر برده، ایمان

۱. همان، ج ۱۲، صص ۴۴۴-۴۴۵.

۲. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۴۶۶.

۳. همان، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، ص ۳۸.



و اخلاق فاضله خود را حفظ کنند که در پناه حکومت عدل و قانون قرار گیرند. حکومتی که اسلام نظام و طرز اداره و قوانینش را طراحی کرده است...^۱ براین اساس ایشان تمام ارکان نظام را مسئول در تأمین امنیت ملت دانسته و همه را مکلف^۲ به انجام آن می‌دانند. مسئله امنیت برای ایشان تا آنجا دارای اهمیت است که حتی حکومت اسلامی را موظف به تأمین آن برای اقلیت‌ها می‌دانند: «تمام اقلیت‌های مذهبی در ایران برای اجرای آداب دینی و اجتماعی خود آزادند و حکومت اسلامی، خود را موظف می‌داند تا از حقوق و امنیت آنان دفاع کند و آنان هم مثل سایر مردم مسلمان ایران، ایرانی و محترم هستند».^۳

امنیت ملی عبارت است از حفاظت از منافع ملی در برابر تهدیدات خارجی که شامل حفاظت از مملکت،^۴ تأمین استقلال،^۵ تمامیت ارضی،^۶ امنیت نظامی و رفاه اقتصادی^۷ می‌شود. امام (ره) در مورد دخالت دیگر کشورها می‌فرماید: «حکومت اسلامی حکومتی است آزاد و مستقل و روابطش با شرق و غرب به یک نحو است و اگر آنها روابط حسنه داشته باشند دولت اسلام هم با آنها روابط حسنه دارد و اجازه نمی‌دهیم کسی در مقدرات مملکتمان دخالت کند»^۸ و دفاع از اسلام و ایران برای همه قشرها از اهم واجبات الهی است.^۹

امنیت ملی با قدرت ملی تأمین می‌شود. قدرت ملی عبارت است از تمامی توانایی‌های بالقوه و بالفعل ملت که از منابع موجود سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی، اجتماعی، علمی و... ناشی می‌شود. بنابراین برای تحقق مصلحت امنیت ملی باید در تهیه و تقویت منابع مذکور تلاش شود. حاصل اینکه قوانینی که براساس مصلحت، برای تأمین امنیت ملی تدوین می‌شود اگر باعث تضعیف و تحلیل منابع ذکر شده گردد در واقع تأمین‌کننده مصلحت نمی‌باشد.

۳-۲-۵. استقلال و نفی سلطه بیگانه

حکومتی که در اداره کشور و سیاست خویش به کشور دیگر وابسته باشد در واقع حاکمیت خویش را نقض کرده است. برای همین اسلام هرگونه وابستگی به کفار را نفی کرده و امام (ره) نیز بر همین اساس جمهوری اسلامی را الگویی برای تمامی ملت‌های در بند معرفی می‌نماید^{۱۰} و آنچه را

۱. همان، ص ۱۵۵.

۲. همان، صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۰۹.

۳. همان، ج ۴، ص ۴۴۲.

۴. همان، ج ۱۷، ص ۱۰۳.

۵. همان، ج ۵، ص ۱۵۶.

۶. همان، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، ص ۳۴.

۷. همان، صحیفه امام، ج ۷، ص ۲۳۹.

۸. همان، ج ۵، ص ۴۲۰.

۹. همان، ج ۲۰، ص ۳۴.

۱۰. همان، ج ۲۱، ص ۳۰۸.

که لازمه این استقلال می‌داند چنین معرفی می‌کنند: «آنچه برای حفظ آزادی ملی و استقلال لازم است، همان است که فقیه دارد. این فقیه است که زیر بار دیگران و تحت نفوذ اجانب نمی‌رود و تا پای جان از حقوق ملت و از آزادی و استقلال و تمامیت ارضی وطن اسلام دفاع می‌کند. فقیه است که به چپ و راست انحراف پیدا نمی‌کند».^۱

در نتیجه سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز بر این اصل استوار می‌باشد که توسط آن مصالح و منافع ملت تأمین می‌شود. امام (ره) در این مورد می‌فرماید: «اصلی که غیرقابل تغییر است این است که سیاست خارجی ما باید بر مبنای حفظ آزادی و استقلال کشور و نیز حفظ مصالح و منافع ملت ایران باشد. ولی در خصوص این‌گونه مسائل، مسئولین فنی دولت منتخب، در آینده آنها را بررسی می‌کنند و دولت تصمیم می‌گیرد».^۲

۳-۵. الگوی‌های اجتماعی

۱-۳-۵. وحدت و همبستگی

وفاق و همبستگی پشتوانه اساسی توسعه و پیشرفت جامعه می‌باشد و مانع تحلیل امکانات جامعه و موجب قدرت فزاینده آن می‌شود. امام (ره) در نصیحتی به جوانان وحدت در صفوف را به مصلحت همه دانسته^۳ و آن را وظیفه همه می‌داند و متذکر می‌شوند وحدت اسلامی را شعار خود قرار دهند تا زیر پرچم «لا اله الا الله» پیروز شوند.

الان منکری بالاتر از این نیست که مصالح مسلمین را به خطر انداخته است. این وظیفه همه شماس است که می‌خواهید برای خدا کار کنید. همه ما باید این دشمنی را نهی کنیم و وحدت اسلامی را شعارمان کنیم. با وحدت و بودن زیر پرچم «لا اله الا الله» پیروز می‌شویم.^۴ در این سخن امام (ره) مشخص است که عامل وحدت در جامعه اسلامی بر محور خداوند و دستورات دین او می‌باشد. بنابراین در اسلام صرف همبستگی برای جامعه اسلامی کافی نیست، بلکه این همبستگی باید صبغه الهی داشته باشد.

۲-۳-۵. مصالح گروه‌ها و اصناف

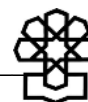
برخی از اصناف، گروه‌ها و اقشار اجتماعی بر اساس مقتضای شغل و حرفه و موقعیتشان و یا مقتضای جنسیت و شرایط سنی آنان به گونه‌ای است که به‌طور طبیعی از امکانات کشور آن‌طور که باید و شاید استفاده نمی‌کنند. این مسئله برنامه و قانونگذاری ویژه‌ای را برای آنها می‌طلبد. این

۱. همان، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، ص ۱۳۹.

۲. همان، صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۱۵.

۳. همان، ج ۱۲، ص ۲۵۸.

۴. همان، ج ۷، ص ۱۸۸.



موضوع همواره مورد توجه امام (ره) بوده و اسلام را دارای برنامه‌ای کامل برای تمامی اقشار اجتماعی معرفی می‌نمایند و چنین می‌فرمایند:

«اسلام حکومت دارد و حکومتش همان نحوی که حکومت‌های دیگری هست و تشکیلات دارد، لکن تشکیلاتی که تمامش بر مبنای عدالت است. روابط حکومت با رعیت، با اصناف رعیت، روابط رعیت با حکومت، روابط حکومت با مذاهب اقلیت، روابط مردم جامعه با اقلیت‌ها، روابط حکومت با حکومت‌های دیگر، روابط خود جامعه اسلامی با جوامع دیگر - تمام اینها قوانین دارد»^۱.

و در جای دیگر با توجه به بحث مصلحت در تذکری به وکلای مجلس می‌فرماید: «اسلام اقتضای این را می‌کند که مصالح همه در نظر گرفته بشود و علی السواء هم در نظر گرفته بشود. همه اهل این مملکت هستند، حق دارند در این مملکت و شما هم وکلای این مملکت هستید و می‌خواهید خدمت بکنید. هر یکی‌تان وکیل همه هستید و هر یکی‌تان باید مصالح همه مملکت را در نظر بگیرید»^۲ و یا «هم در متن قوانین و مقررات و هم در متن عمل و عقیده و روش و منش جامعه پیاده شود و مصلحت زجر کشیده‌ها و جبهه‌رفته‌ها و شهید و اسیر و مفقود و مجروح داده‌ها و در یک کلام، مصلحت پابره‌نه‌ها و گودنشین‌ها و مستضعفین»^۳ را در نظر داشته باشید.

۴-۵. الگوهای حقوقی

هر نوع ملکیت اعیان یا انتفاع یک حق مستلزم ایجاد حق برای صاحب آن می‌باشد و خداوند متعال که مالک واقعی مخلوقات می‌باشد بشر را مالک حقیقی یا اعتباری برخی اشیا قرار داده است. این امور حقیقی و اعتباری و مادی و معنوی و علقه انسان به آنها موجب حق برای صاحبان آن و تکلیف برای دیگران می‌شود. بر همین اساس برای رعایت حقوق جامعه باید الگوهای مناسبی تنظیم و به اجرا گذاشته شود تا مصالح حقوقی به بهترین وجه تأمین شود. در اینجا به چند الگوی مهم در دیدگاه امام (ره) اشاره می‌کنیم.

۴-۵-۱. برابری و حاکمیت قانون

در جامعه اسلامی قانون باید شمول و عمومیت داشته باشد و هر حقی بدون تبعیض برای صاحبانش محترم شمرده شود و همگان در برابر قانون مساوی باشند. امام خمینی (ره) تصویر خود از حکومت ایدئال را چنین بیان می‌کنند: «ما چنین حاکم و زمامداری می‌خواهیم. زمامداری که مجری قانون باشد؛ نه مجری هوس‌ها و تمایلات خویش؛ افراد مردم را در برابر قانون مساوی بداند

۱. همان، ج ۴، ص ۴۲۰.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۱۰۴.

۳. همان، ج ۲۰، ص ۳۳۴.

و آنها را دارای وظایف و حقوق اساسی متساوی؛ بین افراد امتیاز و تبعیض قائل نشود»^۱ و در جای دیگر می‌فرماید: «اصل برابری انسان‌ها و اینکه تنها امتیاز فردی نسبت به فرد دیگر بر معیار و قاعده تقوا و پاکی از انحراف و خطاست؛ بنابر این با هر چیزی که برابری را در جامعه بر هم می‌زند و امتیازات پوچ و بی‌محتوا را در جامعه حاکم می‌سازد باید مبارزه کرد».^۲

۲-۴-۵. مسئولیت دولتمردان و آزادی ملت

آزادی عبارت است از اینکه هر فردی از افراد جامعه بتواند قابلیت خویش را به منصفه ظهور برساند و بدون اینکه مانعی از این استعدادها جلوگیری کند. انسان در بینش اسلامی آزاد آفریده شده و حق اوست که آزاد زندگی کند و از دخالت غیر در امان باشد. دو اصل آزادی مردم و مسئولیت دولتمردان، در عمل به قانون ازسوی حکومت قابل تأمین است، از طرفی عدم احساس مسئولیت والیان در قبال جامعه حاکی از صفت فرعونیت است که در قرآن کریم از آن مذمت شده و معرفی دین اسلام توسط امام (ره) بر این موضوع استوار است. «اسلام دین افراد مجاهدی است که به دنبال حق و عدالتند. دین کسانی است که آزادی و استقلال می‌خواهند. مکتب مبارزان و مردم ضداستعمار است»^۳ و در سوی دیگر در مورد دولت می‌فرماید: «آزادی به طور کامل هست و هرکس می‌تواند اظهار عقیده خودش را بکند و اسلام جواب همه عقاید را به‌عهده دارد و دولت اسلامی تمام منطقاتها را با منطق جواب خواهد داد».^۴

۳-۴-۵. امر به معروف و نهی از منکر

امام خمینی (ره) امر به معروف و نهی از منکر را حق همه مسلمین دانسته و جلوگیری از منکرات را واجب دانسته است.

«جلوگیری از منکرات بر همه مسلمین واجب است. سفارش به حق که امر به معروف است و نهی از منکر است بر همه مسلمین واجب است. شما و ما موظفیم که هم در تمام اموری که مربوط به دستگاه‌های اجرایی است امر به معروف کنیم».^۵

در دیدگاه امام (ره) سلامت جامعه و حفظ ارزش‌های دینی و اخلاقی امری است که حاکمان و نیز افراد جامعه در قبال آن مسئولند. عمل به معروف و ترک منکر می‌تواند جامعه را به بهترین امت تبدیل کند. این امر وظیفه‌ای است که برعهده فرد فرد جامعه می‌باشد و باید در مقابل حکومت نیز اعمال گردد. البته

۱. همان، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، ص ۱۳۲.

۲. همان، صحیفه امام، ج ۵، ص ۳۸۹.

۳. همان، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، ص ۱۱.

۴. همان، صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۱۲.

۵. همان، ج ۱۳، ص ۴۷۱.



اگر فرد فرد جامعه به صورت انفرادی دست به این عمل بزنند وظیفه شرعی خود را انجام داده‌اند. اما تأثیر عمل به صورت دسته‌جمعی در چارچوب قانون اساسی می‌تواند تأثیری به مراتب عمیق‌تر داشته باشد. از همین رو است که قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز وجود احزاب و جمعیت‌ها را طبق اصل بیست‌وششم قانون اساسی به رسمیت شناخته است. همانطور که در اصل ششم قانون اساسی در مورد اصل امر به معروف و نهی از منکر آمده است: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل، برعهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت».^۱

۵-۵. الگوهای اقتصادی

اقتصاد یکی از ارکان قوام جامعه است. تبدیل روابط اقتصادی از اقتصاد ساده و بسیط به اقتصاد پیچیده و پیشرفته اقتضا می‌کند که دولت به این جهت از زندگی جامعه نیز توجه خاص نماید. اگر اقتصاد براساس موازین و الگوهای برگرفته از فرهنگ اسلامی و واقعیت اجتماع نباشد نمی‌تواند مورد قبول جامعه قرار گیرد. در زیر صورت کلی به چند الگو در دیدگاه امام (ره) می‌پردازیم.

۵-۵-۱. خودکفایی

وابستگی اقتصادی در واقع یک نوع نیاز و سر فرود آوردن در مقابل بیگانگان است. از همین رو «لازم است از نیروهای متعهد و متخصص مسلمان جهت خودکفایی و استقلال هرچه بیشتر استفاده شود. به این معنا که ما بایستی استقلال فکری داشته باشیم و بحمدالله مقدار زیادی حاصل شده و باورمان بشود که خودمان می‌توانیم بسازیم».^۲ لازم به ذکر است هر نوع رابطه‌ای در بعد بین‌المللی که با حفظ احترام متقابل و عادلانه باشد منعی ندارد، اما این امر وقتی میسر است که جامعه اسلامی به خودکفایی رسیده باشد.

۵-۵-۲. توسعه عدالت اجتماعی

امام (ره) در مورد اهمیت حکومت و زمامداری می‌فرماید: «زمامداری فقط از جهت اینکه بتوانند حکومت عدل را برپا کنند و عدالت اجتماعی را بین مردم تطبیق و تعمیم دهند، قابل اهمیت بوده است...»^۳ و ایشان مبنای جمهوری اسلامی را بر عدل می‌دانند^۴ و بر این باور هستند که چنانچه به

۱. اصل بیست‌وششم قانون اساسی.

۲. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۲۲.

۳. همان، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، متن، ص ۷۷.

۴. همان، صحیفه امام، ج ۹، ص ۷۲.

قوانین اسلامی عمل شود حاصل آن چیزی جز عدالت نخواهد بود.^۱ ایشان در وصیتنامه خویش می‌نویسند: «پیغمبر اسلام (ص) تشکیل حکومت داد مثل سایر حکومت‌های جهان لکن با انگیزه بسط عدالت اجتماعی»^۲ و در کل عدالتی را که اسلام اجرا می‌کند به مصلحت تمام طبقات مردم دانسته، مصلحتی که سابقه در بشر ندارد.^۳

۳-۵-۵. محرومیت‌زدایی

امام خمینی (ره) بر این باورند که «محرومیت‌زدایی عقیده و راه و رسم زندگی ماست»^۴ و اسلام بر دولت لازم می‌داند که زندگی افراد جامعه اسلامی را به طور کامل تضمین و تأمین کند چه به صورت فراهم کردن وسایل کار و فرصت شغلی و چه به صورت برآوردن معیشت بی‌بضاعت‌ها.

منابع و مأخذ

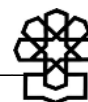
۱. قرآن کریم.
۲. نهج‌البلاغه. صبحی صالح، کلمات القصار، ش ۳۷۳.
۳. ابن‌منظور، لسان‌العرب، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ج ۲، ماده صلح، ۱۴۰۸.
۴. الزبیدی، محمدمرتضی. تاج‌العروس من جواهرالقاموس، بیروت، مکتبه الحیاه، ماده صلح، ۱۳۰۶.
۵. افتخاری، اصغر. امام خمینی (ره) و حکومت اسلامی (احکام حکومتی و مصلحت) مقاله مصلحت به مثابه روش، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸.
۶. البستانی، بطرس. قطر المحيط، ای قاموس مختصر لغة العربیة، بی‌جا، مکتبه لبنان، بی‌تا، ماده صلح.
۷. الجوهری، اسماعیل بن حماد الصحاح. تاج اللغة و صحاح العربیة، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، مصر، دارالکتب العربی، ماده صلح، ۱۹۵۶.
۸. الکلینی، یعقوب بن اسحاق، الأصول من الکافی، بیروت، ط دارالصعب و دارالتعارف للمطبوعات، ج ۱، ۱۴۰۱ هـ.
۹. المقرئ الفیومی، احمد بن محمد بن علی. المصباح المنیر، قم، دارلهجره، ماده صلح، ۱۴۰۵.
۱۰. امام خمینی (ره)، صحیفه امام (ره).
۱۱. امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، ج ۲.
۱۲. امام خمینی (ره)، کتاب البیع، ج ۴.
۱۳. امام خمینی (ره)، الرسائل، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۸۵.
۱۴. امام خمینی (ره)، وصیتنامه سیاسی - الهی، متن، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۵. امام خمینی (ره)، شئون و اختیارات ولی فقیه (ترجمه و انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵).
۱۶. امام خمینی (ره)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران، مؤسسه امیرکبیر، ۱۳۵۷.

۱. همان، ج ۵، ص ۷۲.

۲. همان، وصیتنامه، متن، ص ۲۴.

۳. همان، صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۱۸.

۴. همان، ج ۲۰، ص ۳۴۲.



۱۷. تفضلی، احمد. فرهنگ مینوی. خرد، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ذیل عنوان مصلحت، ۱۳۵۴.
۱۸. تقوی، سیدمحمد ناصر. حکومت و مصلحت، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۸.
۱۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ هشتم، ۱۳۷۶.
۲۰. نوروزی خیابانی، مهدی. فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی، تهران، نشر نی.
۲۱. دهخدا، لغتنامه، طبع دانشگاه تهران، ج ۱۲.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر. انوارالفقاهه، قم، مدرسه امیرالمؤمنین، چاپ دوم، ج ۱، ۱۴۱۱ ه.ق.
۲۳. شریعتی، محمدصادق. بررسی فقهی و حقوقی مجمع تشخیص مصلحت نظام، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰.
۲۴. اسماعیل بن حماد جوهری، صحاح اللغة، نشر دارالعلم للملایین، ماده صلح، ۱۴۰۷ ق.
۲۵. طباطبایی، محمدحسین. بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، مقاله ولایت و زعامت.
۲۶. طریحی، فخرالدین. مجمع البحرین، طبع قدیم.
۲۷. فرهنگ لاروس، ج ۱.
۲۸. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲۹. گرجی، ابوالقاسم. مقالات حقوقی، تهران، دانشگاه تهران، ج ۲، ۱۳۶۹.
۳۰. محدث نوری، میرزا. مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت، ج ۷.
۳۱. غزالی، ابوحامد محمد. المستصفی، ج ۱، ص ۱۴۰، نقل از منابع اجتهاد، جناتی.
۳۲. مجموعه قوانین سال ۱۳۶۲.
۳۳. مشکینی، علی. اصطلاحات الاصول، قم، نشرالهادی، ۱۳۸۶.
۳۴. معین، محمد. فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، ج ۳، ۱۳۷۱.
۳۵. نجفی، محمدحسین. جواهر الکلام، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج ۴، ۱۴۰۰ ق.
۳۶. نحعی، هادی. توافق و تزامم منافع ملی و مصالح اسلامی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل، ۱۳۷۶.
۳۷. نجومیان، حسین. مبانی قانونگذاری و دادرسی، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۶.
۳۸. نیل مکنزی، دیوید. فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳.
۳۹. هاشمی، سیدحسین. تحلیل مبانی فقهی و حقوقی مجمع تشخیص مصلحت نظام، قم، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱.

40. See in: Philip B. Gove (ed. In chief), Webster's Third New International Dictionary, Vol. II, Chicago: Encyclopedia Britannica Inc., 1976.

41. Peter Davis (ed.), The American Heritage Dictionary of English Language, New York: Dell Publishing Co., 1975.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۱۰۱۴

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: مفهوم مصلحت در اندیشه امام خمینی (ره)

نام دفتر: مطالعات فرهنگی (گروه مطالعات بنیادین حکومتی)

تهیه و تدوین: آرش عابدینی

ناظر علمی: سیدیونس ادیانی

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: فرزاد جعفری

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۶/۶